



امواج آلوده
رصد و تحلیل موضوعی شبها
شماره ۱۶

انقلاب اسلامی

مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبها
(حوزه‌های علمی)

شبها

موسسه تخصصی پژوهش‌های اسلامی

مقدمه

نخبگان حوزه‌های علمیه و فرهیختگان بصیر جامعه، تبیین معارف اسلام ناب محمدی و آگاه‌سازی جامعه را تکلیف الهی، انسانی و انقلابی خویش می‌دانند و در این زمینه، رصد فضای فکری، اجتماعی و تبلیغی، شناسایی شبهات، به منظور حضور بهنگام، سریع و قوی در مواجهه با آن ضرورت دارد؛ تا زنگار شبهه از ذهن و روان همگان زدوده و بر سلامت جامعه افزوده شود.

«أمواج آلوده» تلاش می‌کند به صورت ماهانه و در قالب پرونده‌های موضوعی، مهم‌ترین شبهات مطرح در فضای فکری جامعه را به همراه عناصر مهم تحلیلی، پاسخ اجمالی، منابع مطالعه و ایده‌هایی برای مقابله ارائه نماید.

در این شماره مهم‌ترین شبهات درباره انقلاب اسلامی تهیه و تنظیم شده است.

گروه شبهه‌شناسی

مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات

(حوزه‌های علمیه)

فهرست

- تعارض انقلاب اسلامی با مبانی سیاسی شیعه / ۴
هرقیامی پیش از ظهور موجب اندوه و زحمت
شیعیان است / ۱۱
انقلاب اسلامی به هدف خود نرسید / ۱۷
انقلاب اسلامی دستاورد مثبتی برای مردم نداشته
است / ۲۶
انقلاب ۵۷ و مسأله زن / ۳۷
ما اینکاره نبودیم / ۴۳
انقلاب اسلامی و عقب ماندگی های ناتمام / ۵۳
انقلاب ۵۷ و تبدیل مسائل فقهی به
مسأله اجتماعی / ۶۳
انقلاب اسلامی و دشمن سازی / ۷۱
در انقلاب اسلامی، مردم به دنبال دموکراسی بودند،
نه حکومت دینی / ۷۷
درس های تلخ انقلاب / ۸۵

تعارض انقلاب اسلامی با مبانی سیاسی شیعه

شناسه شبهه

موضوع عام: انقلاب اسلامی
موضوع خاص: مبانی انقلاب اسلامی
نام شبهه کننده: مجهول
منبع انتشار شبهه: شبهات رسیده به مرکز
هدف‌های احتمالی: تضعیف مبانی انقلاب اسلامی،
متهم ساختن انقلاب اسلامی به عدول از اندیشه
سیاسی شیعه، تضعیف پشتوانه دینی نظام
اسلامی، القای ضدیت مبانی انقلاب اسلامی با
مهدویت.
نمایه‌ها: انقلاب اسلامی، مبانی، مهدویت، ظلم.

متن شبهه

در شمار زیادی از روایات مربوط به مهدویت و ظهور امام مهدی تصریح شده است که قبل از ظهور امام، ظلم فراوانی همه جهان را فرا می‌گیرد. با این وجود چگونه از اتصال انقلاب اسلامی به انقلاب جهانی حضرت مهدی سخن می‌گویید و انقلاب اسلامی را زمینه‌ساز انقلاب امام معرفی می‌کنید؟! بر اساس روایات مذکور حتی می‌توان انقلاب اسلامی ایران را نوعی انحراف از جریان مطلوب تاریخ دانست، که می‌تواند به عنوان مانعی بر سر راه حکومت جهانی امام مهدی قرار گیرد!

پیشنهاد ها

■ پاسخ اجمالی:

۱. بررسی و تحلیل زمینه‌های نظری و عملی انقلاب اسلامی و نسبت آن با طرح الهی مهدویت، نشان می‌دهد که پدیده انقلاب اسلامی ایران و رخداد جهانی مهدویت دو امر مرتبط با هم است. انقلاب اسلامی از لحاظ نظری

در امتداد مهدویت و مهدویت از لحاظ عینی و عملی، در امتداد انقلاب اسلامی ایران است. در تبیین نظری و عملی ارتباط انقلاب اسلامی و طرح مهدویت گفتنی است که انقلاب اسلامی از دو جهت با موضوع مهدویت در ارتباط است؛ جهت اول اینکه انقلاب اسلامی در همان باورها و اعتقاداتی ریشه دارد که بنیادهای مهدویت نیز در آن باورها است. اگر هدف کلی طرح مهدویت ریشه‌کنی ظلم از جهان، اقامه عدالت و برقراری حکومت صالحان است، انقلاب اسلامی به دنبال ایجاد نسخه کوچکی از انقلاب جهانی حضرت مهدی بوده است. جهت دوم اینکه انقلاب اسلامی با اقدامات بنیادینی که در راستای بسط ارزش‌های اسلامی و گسترش پیام اسلام به سراسر جهان انجام می‌دهد، زمینه‌فکری و عملی لازم را برای ظهور منجی عالم بشریت را فراهم می‌سازد.

۲. در پرتو انقلاب اسلامی و فراهم شدن زمینه‌های اجتماعی و سیاسی، شهر قم اکنون به مرکز نشر معارف اسلامی تبدیل شده است. در نتیجه این زمینه‌سازی مهم، همه مردم جهان از معارف اسلامی آگاه خواهند شد و به تدریج شرایط چنان خواهد شد که کمتر کسی از معارف و آموزه‌های اسلامی بی‌خبر می‌ماند. با توجه به اینکه طبق برخی از روایات پیش از ظهور امام مهدی با اکثر مردم جهان اتمام حجت شده است، اکثریت مردم جهان سخنان حق را شنیده و به اصول دعوت اسلامی ایمان خواهند آورد و تنها افراد معدود و معاندی بر مسیر باطل اصرار می‌ورزند که امام با آن‌ها درگیر جنگ خواهد شد.

اکنون به برکت انقلاب و جمهوری اسلامی علوم و معارف اسلامی در حال گسترش به دورترین نقاط جهان است. در حال حاضر علاوه بر برنامه‌های تبلیغی به شیوه سمعی بصری، مبلغان فرهنگ اسلامی در سراسر جهان مشغول فعالیت‌های تبلیغی هستند که ثمرات آن را در گسترش روزافزون گرایش به اسلام ناب با قرائت اهل بیت علیهم السلام مشاهده می‌کنیم. حتی گرایش به اسلام سنی هم به سبب زمینه‌هایی است که انقلاب

اسلامی ایران در جهان ایجاد کرده است. اساساً انقلاب اسلامی توجه به اسلام و معنویت اصیل را در جهان زنده کرد. تمام دشمنی‌های غرب و صهیونیسم با جمهوری اسلامی در دشمنی آنان با مبانی و فرهنگ اسلامی آن ریشه دارد. اگر انقلاب اسلامی رخ نداده یا به پیروزی نرسیده بود، با توجه به حاکمیت تفکر سکولاریسم و تلاش برای حذف دین، یقیناً اکنون شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جهان به گونه‌ای بود که نام اسلام همچنان ناشناخته مانده بود.

۳. علاوه بر مبانی نظری همسان مهدویت و انقلاب اسلامی از لحاظ قرآنی و روایی، روایاتی مؤید زمینه‌سازی انقلاب اسلامی برای ظهور ولی عصر عجل الله فرجه الشریف و اتصال به انقلاب جهانی آن حضرت است.

به عنوان مثال در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «به زودی شهر کوفه از مؤمنان تهی و دانش از آنجا رخت بر می‌بندد... و دانش از شهری که آن را قم می‌نامند ظهور می‌کند و آنجا پایگاه علم و فضیلت و معدن دانش و کمال می‌گردد، به گونه‌ای که روی زمین هیچ مستضعفی نمی‌ماند که از دین آگاهی نداشته باشد؛ حتی زنان پرده نشین، و این زمان نزدیک به زمان ظهور قائم ما خواهد بود. خداوند قم و مردمش را جانشین حضرت حجت قرار می‌دهد و اگر چنین نبود زمین اهلس را فرو می‌برد و حجتی بر زمین نمی‌ماند. بنابر این دانش الهی از شهر قم به مشرق و مغرب جهان سرازیر می‌شود و حجت بر جهانیان تمام می‌گردد به گونه‌ای که هیچ شخصی باقی نمی‌ماند که دین و دانش به او نرسیده باشد و آنگاه حضرت قائم (عج) ظهور می‌کند و عذاب الهی بر کافران به دست آن حضرت فرود می‌آید؛ زیرا خداوند از بندگان انتقام نمی‌گیرد مگر هنگامی که حجت بر آنان تمام شده باشد.»^۱

انقلاب حضرت مهدی عجل الله فرجه الشریف همچون

۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق، ص ۲۱۷.

دیگر انقلاب‌ها، بدون زمینه‌سازی، به وجود نمی‌آید؛ بلکه در آستانه ظهور، حرکت‌هایی پا می‌گیرد و زمینه را برای ظهور آن حضرت فراهم می‌آورد. این سلسله قیام‌ها و انقلاب‌هایی که از سوی حق طلبان صورت می‌گیرد که براساس آنچه در برخی روایات آمده، زمینه را برای حرکت جهانی حضرت آماده می‌کند. به عنوان نمونه امام باقر علیه السلام فرمودند: «گویی قومی را می‌بینیم که از مشرق در طلب حق قیام کرده‌اند، ولی بدانان نمی‌دهند و باز مطالبه می‌کنند، ولی بدان‌ها نمی‌دهند، پس چون چنین می‌بینند، شمشیرهای خویش را بر دوش می‌گیرند (آماده نبرد می‌شوند) پس در آن هنگام، آنچه را می‌خواهند به آنان می‌دهند، ولی نمی‌پذیرند تا اینکه پیروز می‌شوند و آن را جز به حضرت صاحب الامر (ع) تسلیم نمی‌کنند. کشتگان آنان شهیدند. اگر من آنان را درک کنم، جانم را برای صاحب الامر می‌گذارم.»^۲

۴. در برخی روایات اسلامی که درباره شرایط پیش از ظهور امام مهدی (عجل الله فرجه الشریف) سخن می‌گوید از پرشدن جهان از ظلم سخن به میان آمده است؛ از جمله در روایتی از امام باقر علیه السلام نقل شده است: «پدرم از پدرش و او از پدرانش برای من نقل کردند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: امامان پس از من دوازده نفر به تعداد نقبای بنی اسرائیل اند. نه نفر از آن‌ها از نسل حسین علیهم السلام هستند و نهمین آن‌ها قائم آن‌ها است. او در آخرالزمان به پا می‌خیزد و زمین را از عدل پر می‌سازد، پس از آنکه از ستم و بی‌عدالتی پر شده بود.»^۳

در این روایت ظاهراً تصویر بسیار تیره و تاری از جهان پیش از ظهور ارائه می‌شود که حضرت مهدی (عج) برای محو آن تیرگی‌ها و ارائه جلوه‌های روشن عدالت ظهور خواهند کرد؛ اما آنچه در این میان حائز اهمیت و دقت است این

۲. «کائی بقوم قد خرجوا بالمشرق، یطلبون الحق فلا یعطونه، ثم یطلبونه فلا یعطونه، فاذا راوا ذلك، وضعوا سیوفهم علی عواتقهم فیعطون ماسالوا فلا یقبلونه حتی یقوموا، و لایدفعوا الا الی صاحبکم قتلاهم شهداء، اما انی لو ادركت ذلك لابقیت نفسی لصاحب الامر» (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۳).

۳. همان، ج ۳۶، ص ۳۵۹.

است که منظور از گسترش ظلم در روایات فراوانی که از پر شدن جهان پیش از ظهور از ظلم و فساد سخن می گوید، این نیست که همه جهان بالکل از فساد و تباهی پر شده باشد، به گونه‌ای که در هیچ بخشی از جهان اثری از نور و روشنی دیده نشود؛ بلکه منظور این است که فساد و ظلم در جهان فراگیر و فراوان خواهد شد و این با وجود حکومت اسلامی در بخشی از جهان و یا فریادهای حق طلبانه در بخش‌هایی جهان منافاتی ندارد. به عبارت دیگر آنچه در روایات گفته شده که گسترش می‌یابد، ظلم است نه ظالمان. چراکه حتی اقلیتی قدرتمند و ستمگر می‌توانند جهان را پر از ظلم کنند و اکثریت مظلوم را مورد ستم قرار دهند. اکنون وقتی به صحنه جهانی می‌نگریم مشخص می‌شود که معدود کشورهای ظالم و قدرتمند غربی با همکاری صهیونیسم جهانی، ظلم فراگیر و سیستماتیکی را بر چند میلیارد انسان مظلوم تحمیل کرده و کسی هم توان مقابله فراگیر و درهم کوبنده با آنان را ندارد. جمهوری اسلامی و ملت ایران هم اکنون جزء مظلومان عالم‌اند که تنها به جرم ایستادگی بر مبانی و ارزش‌های اسلامی و تن‌دادن به زیاده‌خواهی‌های نظام سلطه، یعنی آمریکا و اروپای ظالم آماج انواع ظلم‌ها و ناجوانمردی‌ها هستند. بنابر این در فضای ظلمت‌زده جهانی پیش‌اظهار هم امکان تشکیل حکومت اسلامی وجود دارد و این امر با پیش‌بینی فراگیری ظلم در جهان منافاتی ندارد.

۵. ادله قرآنی مقابله با ظلم، اقامه عدل، امر به معروف و نهی از منکر و برپایی حکومت اسلامی مقید به زمان خاصی نیست و فرد مؤمن در همه زمان‌ها و مکان‌ها باید برای انجام تکالیف شرعی خود آماده باشد. گو اینکه اگر توانایی امری نداشته باشد، تا رفع ناتوانی تکلیفی نخواهد داشت.

وقتی قرآن کریم می‌فرماید: «به ظالمان تکیه نکنید که آتش قهر الهی به شما خواهد رسید...»^۴ یا روایاتی که از

۴. «وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ...» هود: ۱۱۳.

مؤمنان را حاکم قراردادن طاغوت‌ها منع می‌کند، برای همه زمان‌ها است و مقید به زمان حضور معصوم یا ظهور امام مهدی نیست.

اگر اهداف، اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی غیر از اهداف اسلامی و آرمان‌های اسلام ناب بود، می‌شد انقلاب اسلامی را نوعی انحراف و مانعی بر سر راه حکومت جهانی حضرت تلقی کرد، اما انقلاب اسلامی همگان را به آرمان‌ها و اهداف اسلام ناب فرامی‌خواند.

بنابر این تشکیل حکومت اسلامی در دوران پیش از ظهور نه تنها با روایات گفته شده مغایر نیست، بلکه رفع ظلم و احیای عدالت از طریق تشکیل حکومت صالحان واجب است.

علاوه بر این روایاتی از اهل بیت علیهم السلام وارد شده که به تشکیل حکومت اسلامی قبل از ظهور حضرت مهدی موعود (عج) اشاراتی دارد؛ هرچند نمی‌توانیم با قاطعیت بگوییم که مقصود روایات همان جمهوری اسلامی ایران است، اما نفس وجود همین روایات نشان دهنده این است که حتی طبق روایات، تشکیل حکومت اسلامی در محیط ظلم‌زده پیش از ظهور امکان دارد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «مردمی از مشرق زمین قیام می‌کنند و زمینه را برای قیام حضرت مهدی فراهم می‌سازند.»^۵

■ منابع جهت مطالعه:

- همایش نقش حکمت در انقلاب اسلامی ایران، دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران، مجموعه مقالات همایش نقش حکمت در انقلاب اسلامی ایران
- منصور واعظی، دستاوردهای انقلاب اسلامی (چهل سالگی)، تهران: انتشارات سروش
- ساره جمالی زواره، دستاوردهای سیاسی انقلاب اسلامی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی

۵. ابن ماجه، سنن، ج ۲ ص ۱۳۶۸؛ المعجم الاوسط، ج ۱، ص ۲۰۰؛ مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۳۱۸؛ کشف الغمه، ج ۳، ص ۳۶۸؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۷ به نقل از: نجم الدین طیبی، نشانه‌هایی از دولت موعود، ص ۷۳.

• محمدحسین راجی، صعود چهل ساله، مشهود:
انتشارات مؤسسه سعدهاء

• امیرسیاه پوش، نتایج و دستاوردهای انقلاب اسلامی
در منظر آیت‌الله خامنه‌ای، مجله مطالعات انقلاب
اسلامی، شماره ۵۵، ۱۳۹۵

• علی محسنی مشتقین، دستاوردهای انقلاب اسلامی
و مقایسه آن با زمان پهلوی با استفاده از روش تحلیل
یکی از اندیشمندان، تحقیقات جدید در علوم اسلامی،
شماره ۳۲، ۱۳۹۹

• حمیدرضا مظاهری سیف، دستاوردهای انقلاب
اسلامی در حوزه اندیشه، نشریه رواق اندیشه، شماره
۳۶، ۱۳۸۲

• رشید رکابیان، دستاوردهای آموزشی و علمی چهل
ساله انقلاب اسلامی، مجله مطالعات انقلاب اسلامی،
شماره ۵۵، ۱۳۹۷.

■ ایده‌هایی برای مقابله:

معرفی آثار تحقیقی درباره مبانی نظری فقهی، فلسفی
و کلامی انقلاب اسلامی؛ برگزاری مناظرات علمی میان
طرفداران نظریه سکوت و طرفداران نظریه قیام علیه
ظلم در عصر غیبت، بالابردن بینش سیاسی مردم،
خصوصاً جوانان، درباره مسائل سیاسی داخلی و
خارجی؛ معرفی آثار تحقیقی تاریخی درباره دکتترین و
راهبردهای سیاسی امامان شیعه علیهم السلام.

هرقیامی پیش از ظهور موجب اندوه و زحمت شیعیان است

شناسه شبهه

موضوع عام: انقلاب اسلامی

موضوع خاص: مبانی انقلاب اسلامی

نام شبهه‌کننده: مجهول

منبع انتشار شبهه: شبهات رسیده به مرکز

هدف‌های احتمالی: تضعیف مبانی انقلاب

اسلامی، متهم ساختن انقلاب اسلامی به عدول از اندیشه سیاسی شیعه، تضعیف پشتوانه دینی نظام اسلامی، القای ضدیت مبانی انقلاب اسلامی با مهدویت.

نمایه‌ها: انقلاب اسلامی، ظهور امام مهدی، امام صادق، اندوه شیعیان، قیام، خروج.

متن شبهه

در سند صحیفه سجادیه حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده که در آن هر خروجی قبل از ظهور امام مهدی را مایه بلا و اندوه ائمه و شیعیان معرفی کرده است. بنابر این انقلاب اسلامی ایران هم خروجی پیش از ظهور بود که مایه اندوه و زحمت شیعیان و ائمه شده است.

پیشنهادها

■ پاسخ اجمالی:

۱. در بررسی، فهم و استنباط از روایات اهل بیت علیهم السلام توجه به زمینه و زمانه صدور روایات مهم و اساسی است. دوران امام صادق علیه السلام، یعنی از ابتدای قرن دوم تا دوران امامت آن حضرت، دوران قیام‌های جریان‌های ضداموی، از جمله علویان، است. پس از سقوط امویان و روی کار آمدن عباسیان،

قیام‌های اصلاحی و عدالت‌خواهانه علیه عباسیان هم ادامه یافت. در آن دوران هرکس پرچم قیامی را برمی‌داشت، داعیه امامت و برپایی حکومت فراگیر اسلامی داشت و خود را امام و گاهی همان مهدی و قائم می‌نامید. در آن مقاطع تاریخی شمار کمی از مسلمانان و حتی علویان، به امامت امام صادق و ائمه معصومین علیهم السلام اعتقاد داشتند. حتی اکثر علویان نیز امامت را بر اساس جهاد و برپایی حکومت اسلامی تعریف می‌کردند؛ یعنی اعتقاد داشتند که هرکس قیام کند و حکومت ظالمان را براندازد و حکومت اسلامی را ایجاد کند، همو امام است. در این دوران برخی از شیعیان ائمه هم بی‌صبرانه منتظر قیام آن بزرگواران و تشکیل حکومت اهل بیت علیهم السلام بودند و از این رو به ائمه اصرار می‌کردند که شما هم به پا خیزید و با سرنگون کردن حکومت عباسیان، حکومت آل محمد علیهم السلام را ایجاد کنید! در چنین زمانه و زمینه‌ای امامان اهل بیت شیعیان را به خویشنداری، صبر و تقیه دعوت می‌کردند و همواره بر این نکته تأکید داشتند که اکنون زمانه و زمینه تشکیل حکومت ما نیست و حکومت ما به دست قائم ما تشکیل خواهد شد. در آن دوران شیعیان امامی در اقلیت محض بودند و هرگونه قیام می‌توانست به نابودی شیعه منتهی شود.

بر اساس آنچه گفته شد از این روایت و روایات مشابه آن استفاده می‌شود که اگر کسی پیش از قیام قائم (عج) قیام کند و داعیه امامت داشته باشد و مردم را به خود دعوت کند و هدفش برپایی حکومت موعود جهانی باشد، محکوم به شکست است و تنها کسی که به خود دعوت می‌کند و ادعای امامت دارد و به تشکیل حکومت جهانی موفق می‌شود، وجود مبارک حضرت بقیه الله سلام الله علیه است. همچنین اگر کسی قیام کند و امت را به خود دعوت نکند و داعیه

امامت هم نداشته باشد، بلکه جامعه اسلامی را به امام زمان (عج) دعوت کند، ولی شرایط قیامش مهیا نباشد، آن نیز محکوم به شکست است»^۱. بنابراین این روایت و روایات مانند آن یا به مواردی مربوط است که قیام افرادی با هدف رسیدن به امامت صورت گرفته باشد، یعنی با ادعای امامت الهی همراه باشد و یا مواردی ناظر است که شرایط قیام و موفقیت آن فراهم نباشد. از این رو این روایات به هیچ وجه مطلق نیست. اگر فرض کنیم روایتی یافت شود که به طور مطلق بگوید هر قیامی علیه حکومت‌های جور و ظلم صورت گیرد، نادرست و محکوم به شکست است، چنان روایاتی چون با خطوط اصلی قرآن و سنت قطعی معصومان علیهم‌السلام در تضاد است، مردود و غیرقابل پذیرش است؛ این قبیل روایات را باید با اصول قطعی قرآن و روایات معتبر سنجید؛ امر به معروف و نهی از منکر، مبارزه با فساد، جهاد، دفاع از حق، جلوگیری قاطع از ظلم، عمل به تکالیف بی‌شمار سیاسی اجتماعی و... نیازمند قیام، اقدام، داشتن نیروهای قوی در سایه حکومت الهی است، چگونه می‌توان با ذکر چند روایت، آیات بسیاری از قرآن که پیرامون قیام و جهاد است را نادیده گرفت؟! آیا این گونه آیات مخصوص عصر نزول قرآن است یا شامل همه اعصار و عصر غیبت نیز خواهد شد؟! بنابر این «اگر فرض کنیم روایتی یافت شود که به طور مطلق بگوید هر قیامی صورت بگیرد، محکوم به شکست و نادرست است، این روایت چون مخالف با خطوط اصلی قرآن و سنت قطعی معصومین علیهم‌السلام است، مردود و غیر قابل پذیرش است؛ زیرا این همه آیات و روایاتی که ما در جهاد و امر به معروف و نهی از منکر و احیای کلمه دین و اقامه حدود الهی داریم و اینها مخصوص زمان خاصی نیست، نشان می‌دهد

که جلوگیری از احیای دین، سخن نادرست و غیرقابل پذیرش است. اگر در عصر غیبت، حکومت دینی نباشد، لازمه‌اش حاکمیت قوانین غیردینی و افراد ناصالح بر مردم مسلمان است که هیچ‌گاه خداوند و رسول اکرم (ص) به چنین چیزی راضی نیستند.^۲

۲. در مقابل این روایات، روایات متعددی است که درباره آخر الزمان و علائم ظهور است و اشاره دارد که پیش از قیام و ظهور مقدس حضرت مهدی (عج) در ایران و یمن حکومت‌های شیعی و مورد تأیید امام تشکیل می‌شود و این حکومت‌ها مردم را به حق و عدالت دعوت می‌کنند. در این روایات بر قیام ایرانیان و حکومت آن‌ها تأکید بسیاری شده است. به عنوان نمونه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «یخرج ناس من المشرق فیوطئون للمهدی سلطانہ»^۳ گروهی از ناحیه مشرق، قد برمی‌افرازند و زمینه حکومت مهدی عجل الله فرجه الشریف را فراهم می‌سازند.»

امام کاظم علیه السلام فرمودند: «مردی از اهل قم قیام می‌کند، مردم را به سوی حق دعوت می‌نماید، جمعیتی نیرومند که مانند پاره‌های آهن (سخت و استوار) هستند، به گرد او جمع می‌شوند که طوفان‌های حوادث آن‌ها را نمی‌لرزاند و از جنگ با دشمن خسته نمی‌شوند و ترس به آن‌ها راه ندارد، و توکل‌شان به خدا است.»^۴

بنابر این، نه تنها حکومت جمهوری اسلامی، مصداق روایاتی که نهی از قیام و احیانا تشکیل حکومت می‌کند، نیست، بلکه مصداق حکومت زمینه‌ساز حکومت جهانی حضرت مهدی (عجل الله فرجه الشریف) است.

۳. با نگاهی به روند، شعارها، یعنی استقلال، آزادی،

۲. همان، ص ۳۷۴.

۳. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، پیشین، ج ۵، ص ۸۷.

۴. «رجل من اهل قم يدعو الناس الى الحق یجتمع معه قوم کزیر الحديد، لاتزلهم الريح العواصف، و لا یملون من الحرب، و لا یجبنون و علی الله یتوکلون» (قمی، عباس، سفینه البحار، تهران: فراهانی، ۱۴۰۲ق، ج ۲، ص ۴۴۶).

جمهوری اسلامی، نظام جمهوری اسلامی و اهداف انقلاب اسلامی روشن می‌شود که انقلاب اسلامی ایران و نظام جمهوری اسلامی برآمده از آن هرگز ادعای امامت خاص الهی نداشته است. هدف انقلاب اسلامی برپایی حاکمیت احکام اسلامی و اجرای آن بوده و مردم را به امامت ولی عصر (عج) دعوت کرده و زمینه‌ساز حکومت امام زمان (عج) بوده است. رهبران انقلاب و امت اسلامی همواره و بی‌صبرانه منتظرند که با ظهور مبارک امام مهدی پرچم نظام اسلامی را به دست ایشان بسپارند.

۴. نظام جمهوری اسلامی که مولود شریف انقلاب اسلامی است و همواره حامل شعارهای و ارزش‌های انقلاب اسلامی بوده و هست، با همراهی و پایداری بی‌نظیر مردم ایران استقرار یافت و مردم ایران با استقامت مثال‌زدنی خود زمینه برپایی و حفظ این نظام را فراهم نموده و در سایه رهبری امام خمینی (رضوان الله علیه) و مقام معظم رهبری همه سختی‌ها و مشکلات را پشت سر گذاشته‌اند. بنابر این نشان‌های فراوانی دلالت می‌کند که رهبران انقلاب با تشخیص درستی موفقیت آن را پیش‌بینی می‌کرده‌اند و از این رو شرایط برپایی نظام و موفقیت آن فراهم بوده است. انقلاب اسلامی و پیروزی آن بارقه امیدی را در دل شیعیان روشن نمود و مایه دل‌گرمی و عزت آنان شد. انقلاب اسلامی موجب شد اسلام ناب اهل بیت علیهم السلام و امام مهدی (عج) در سطح جهانی مطرح گردد.

■ منابع جهت مطالعه:

- امام خمینی، ولایت فقیه، قم: انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
- عبدالله جوادی آملی، ولایت فقیه؛ ولایت فقاہت و عدالت، قم: نشر اسراء
- ابراهیم امینی، دادگستر جهان، قم: انتشارات جامعه

• شهید مرتضی مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی، قم:
انتشارات صدرا

• شهید مرتضی مطهری، پیرامون جمهوری اسلامی،
قم: انتشارات صدرا

• شهید مرتضی مطهری، حماسه حسینی، قم:
انتشارات صدرا

• سایت رسمی آیت الله نجم الدین طبسی، دروس
خارج مهدویت، مبحث قیام‌های پیش از ظهور:

<https://velaseddighah.com/fa/>

■ ایده‌هایی برای مقابله:

معرفی آثار تحقیقی درباره مبانی نظری فقهی، فلسفی و کلامی انقلاب اسلامی؛ برگزاری مناظرات علمی میان طرفداران نظریه سکوت و طرفداران نظریه قیام علیه ظلم در عصر غیبت، بالابردن بینش سیاسی مردم، خصوصاً جوانان، درباره مسائل سیاسی داخلی و خارجی؛ معرفی آثار تحقیقی تاریخی درباره دکترین و راهبردهای سیاسی امامان شیعه علیهم السلام.

انقلاب اسلامی به هدف خود نرسید

موضوع عام: انقلاب اسلامی

موضوع خاص: اهداف انقلاب اسلامی

نام شبهه‌کننده: مجهول

منبع انتشار شبهه: شبهات رسیده به مرکز

هدف‌های احتمالی: تضعیف جمهوری اسلامی،

ایجاد بدبینی نسبت به حرکت‌های اسلامی،

تضعیف فرهنگ مقاومت در برابر ظلم.

نمایه‌ها: انقلاب اسلامی، دینداری، حکومت

دینی.

شناسه شبهه

متن شبهه

انقلاب اسلامی ایران نشان داد که انقلاب‌های دینی دستاوردی ندارد؛ زیرا اگر به تشکیل حکومت دینی منتهی نشود، با وجود خونبار بودن آن‌ها، بی‌ثمر و بی‌نتیجه است و اگر به تشکیل حکومت دینی منتهی شود، کاستی‌های حکومت دینی، موجب دل‌زدگی از دین می‌شود. بنابر این انقلاب اسلامی ایران به نفع دینداری مردم نبوده است و کاستی‌های جمهوری اسلامی باعث زدگی مردم از دین شده است. به عنوان مثال عالمان دینی قبل از انقلاب نفوذ بیش‌تری در میان مردم داشتند و بعد از انقلاب و تشکیل حکومت، بخش قابل توجهی از نفوذ آنان کاهش یافت.

■ پاسخ اجمالی:

۱. طبق این استدلال هیچ انقلابی نباید رخ بدهد، زیرا خشونت یکی از پیامدهای جدایی ناپذیر هر انقلابی است و به طور معمول انقلاب ها با مقاومت نظام مستقر روبرو خواهند شد. در صورت تشکیل نظام سیاسی جدید نیز با دست نیافتن آن به اهداف به طور کامل مردم دچار نارضایتی خواهند شد.

۲. انقلاب اسلامی اصالتاً انقلابی معنوی و فرهنگی است. هدف اصلی انقلاب اسلامی بیداری عقل ها و فطرت ها و احیای ارزش های الهی و انسانی بوده است. امام خمینی (رضوان الله علیه) انقلاب اسلامی را با هدف مقابله با ظلم، استبداد، احیای حاکمیت اسلام و بازگرداندن عزت پایمال شده ملت ایران از سوی رژیم پهلوی و کشورهای غربی آغاز کرد. بنابر این حتی اگر انقلاب اسلامی به حکومت اسلامی نیانجامد، بی ثمر نیست. اما اگر به تشکیل حکومت اسلامی بیانجامد که در انقلاب اسلامی ایران چنین شد، انقلاب به اهداف کامل تری دست یافته است.

۳. یکی از معیارهای مهم قضاوت درباره موفقیت یک نظام سیاسی توجه به انتظاراتی است که از آن نظام سیاسی وجود دارد. اگر انتظارات مردم، انتظارات معقول و ممکن باشد، قضاوت ها نیز معقول و مفید خواهد بود اما اگر انتظارات آنان نامعقول و نادرست باشد، هیچ نظام سیاسی نمی تواند رضایت مردم را به دست آورد. برای توضیح مطلب لازم است میان سه اصطلاح اسلام، انقلاب اسلامی و حکومت اسلامی تمایز و تفکیک قائل شویم. مقصود از اسلام معارف و آموزه هایی است که توسط خداوند و به واسطه پیامبر اکرم در قالب قرآن کریم و سنت نبوی به انسان ها ابلاغ شده است. با توجه به علم مطلق خداوند و عصمت پیامبر اکرم در تلقی و ابلاغ وحی، آنچه در قرآن کریم

و سنت نبوی تجلی یافته معصوم و مصون از خطا و انحراف است. مقصود از انقلاب اسلامی حرکت اصلاحی و حق طلبانه‌ای است که مردم ایران به رهبری روحانیت و در رأس آن امام خمینی علیه رژیم فاسد و ستمگر پهلوی آغاز کردند و به سقوط آن منتهی شد. مقصود از حکومت اسلامی یا جمهوری اسلامی نظام سیاسی کنونی است که توسط مردم ایران و با رهبری امام خمینی تشکیل شد و هدف آن اجرای احکام اسلامی بود. با این توضیح مشخص شد که اولاً اسلام به سبب اینکه از علم خداوند نشأت گرفته و به صورت معصومانه به دست ما رسیده عاری از خطا و باطل است، اما انقلاب اسلامی و حکومت اسلامی اگرچه ملهم و مبتنی بر مبانی و احکام اسلامی بوده است، اما توسط انسان‌های غیرمعصوم ایجاد و تداوم یافته است. از این رو هرگز وجود خطا، انحراف و اشکال در آن دو منتفی نبوده و نخواهد بود. ثانیاً کارآمدی یک نظام سیاسی امری بسیط و واحد نیست. بلکه ترکیبی از ظرفیت‌ها، امکانات، توانمندی‌ها و دستاوردها در حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی است. امنیت، فرهنگ، اقتصاد، سیاست و دیگر امور اجتماعی هرکدام بعدی از کارآمدی نظام را نشان می‌دهند. هیچ نظام سیاسی تا کنون در همه ابعاد کارآمدی نداشته است. اساساً تشکیل یک نظام سیاسی با کارآمدی مطلق در جهان ممکن نیست. بنابراین باید به کارآمدی نسبی نظام سیاسی توجه کرد و نسبت ناکارآمدی‌ها را با کارآمدی‌ها سنجید، تا بتوان قضاوت عادلانه و واقع‌نگرانه‌ای را انجام داد. ثالثاً حکومت یا نظام سیاسی، چه اسلامی و چه غیراسلامی، عبارت است از سیستمی که هرکدام از رهبران، مردم، برنامه‌ها و هدف‌ها یکی از ارکان آن به شمار می‌رود. بنابراین یک نظام سیاسی در صورتی موفق و کامیاب است که همه ارکان آن سالم، هماهنگ و فعال باشد. این توقع که رهبران خوب، برنامه‌های خوب و اهداف

خوب به کامیابی منتهی نشود، در حالی که آحاد مردم در وضعیت فعال و مطلوبی نباشند، ممکن نیست. مردم رکن اصلی و اساسی نظام‌اند و نقش آنان در ایجاد و به نتیجه‌رساندن اهداف نظام، جایگزین‌ناپذیر است. برای رسیدن به اهداف ملی، تلاش مداوم و مؤثر ملی لازم است.

بدبینی نسبت به دین و نوشتن ناکامی‌ها به پای دین در صورتی منطقی است که جمهوری اسلامی مدعی تحقق کامل اسلام باشد، در حالی که هیچ کس چنین ادعایی نداشته و ندارد. جمهوری اسلامی گامی در مسیر حاکمیت اسلام برداشته است، اما تا تحقق کامل اسلام و برپایی جامعه‌ای اسلامی به طور کامل، فاصله زیادی وجود دارد. بنابر این قضاوت و ارزیابی عملکرد نظام جمهوری اسلامی باید متناسب با راه طی شده باشد، نه بر پایه اهداف و آرمان‌های ترسیم شده. گرچه افزایش سطح انتظارات از نظام جمهوری اسلامی موجب شده تا با وجود دستاوردهای نظام در عرصه‌های گوناگون، مشکلات و کاستی‌ها قابل پذیرش نباشد و نظام جمهوری اسلامی با آرمان‌ها و اهداف ترسیم‌شده، مقایسه شود.

حضرت امام در وصیت نامه الهی سیاسی خودشان تصریح فرمودند: «اینجانب هیچگاه نگفته و نمی‌گویم که امروز در این جمهوری به اسلام بزرگ با همه ابعادش عمل می‌شود و اشخاصی از روی جهالت و عقده و بی‌انضباطی بر خلاف مقررات اسلام عمل نمی‌کنند؛ لکن عرض می‌کنم که قوه مقننه و قضائیه و اجرائیه با زحمات جان‌فرسا کوشش در اسلامی‌کردن این کشور می‌کنند و ملت ده‌ها میلیونی نیز طرفدار و مددکار آنان هستند.»^۱ مقام معظم رهبری نیز فرمودند: «ما همیشه می‌گوییم، بارها گفتیم که ما نتوانستیم خواسته‌های اسلام را به طور کامل تحقق ببخشیم.

۱. امام خمینی، وصیت نامه الهی سیاسی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰، ص ۲۲.

این قطعی است؛ اما ما راه زیادی در این زمینه طی کردیم. ما نتوانستیم عدالت اجتماعی را به طور کامل در این کشور به وجود بیاوریم، اما خیلی از راه را جلو آمدیم. نباید این‌ها ندیده گرفته بشود. یک روزی همه ثروت این کشور صرف تعدادی خانواده‌های اشرافی و احیاناً سرریز آن به چند شهر بزرگ می‌رسید؛ امروز اقصی نقاط کشور برخوردار از خیرات این کشورند. این حرکت عظیم، حرکت به سمت عدالت اجتماعی، حرکت به سمت اخلاق اسلامی است. حالا می‌شنویم گاهی اوقات راجع به اخلاق حرف زده می‌شود، انتقاد می‌کنند؛ بله؛ با آن اخلاق اسلامی مطلوب، امروز ما فاصله داریم، در این شگئی نیست؛ اما ما خیلی پیش رفتیم. راه زیادی را ملت ایران طی کردند، این‌ها را ندیده نگیرند... بله، البته راه طولانی‌ای در پیش داریم؛ ما به آرمان‌هایمان هنوز نرسیده‌ایم؛ آرمان‌های اسلامی خیلی بالاتر از این حرف‌ها است.»^۲

۴. کاستی‌هایی که نظام سیاسی اسلامی ممکن است به آن گرفتار شود، از دو قسم بیرون نیست: الف) کاستی‌هایی که حکومت دینی به جهت دینی بودن ممکن است به آن گرفتار باشد. ب) کاستی‌هایی که از عملکرد مسئولان و مردم ناشی می‌شود. تفکیک این دو امر بسیار مهم است. چراکه در دوران ما بسیاری از نقص‌ها ناشی از عملکرد مردم یا مسئولان نظام است، اما بی‌جهت به دین و احکام دین نسبت داده می‌شود و برخی مردم هم به سبب همین مغالطه نیمه‌پنهان، به دین و نظام اسلامی بدبین می‌شوند.

دستیابی حکومت دینی به اهداف ترسیم شده خویش، از یکسو نیازمند همراهی و مشارکت مردم با حکومت دینی و انجام مسئولیت‌ها توسط مردم و از سوی دیگر در گرو وجود مسئولانی دغدغه‌مند و معتقد به مبانی حکومت اسلامی و در تراز آن است. اگر مردم در انتخاب مسئولان به معیارهای اساسی و شایستگی‌ها

توجه لازم نداشته باشند و مسئولانی که توسط مردم انتخاب می‌شوند از باورمندی لازم نسبت به حکومت دینی و توانایی تحقق اهداف و انجام مسئولیت‌ها، برخوردار نباشند، نمی‌توان انتظار تحقق اهداف اسلامی را داشت.

۵. برخی از روشنفکران سکولار، همواره کاستی‌ها و کژی‌های عارض شده بر مسیحیت را به دین اسلام و حکومت اسلامی تعمیم می‌دهند و اینگونه بیان می‌کنند که حکومت دینی، به خودی خود، عاقبتی چونان عاقبت کلیسای قرون وسطا خواهد داشت. در حالی که اسلام و مسیحیت اساساً قابل مقایسه نیستند. اسلام دینی اجتماعی و مصون‌مانده از هرگونه تحریف است. در حالی که مسیحیت نه اجتماعی است و نه از تحریف مصون مانده است. بنابر این اگر دین، حق و بدون تحریف باشد، کژی و نقصی در آن نیست، تا کاستی‌های نظام سیاسی را به آن منتسب کنیم.»^۳

کاستی‌های حکومت دینی به عملکرد مسئولان یا کوتاهی و عدم مشارکت جدی مردم بر می‌گردد. اگرچه ممکن است برخی را به اشتباه انداخته و از دین متنفر کند، اما روشن است که این امر ناشی از یک خطای شناختی است. مسؤلان و مردم معصوم نیستند و ممکن است هرکدام به وظائف خود در قبال امور سیاسی و اجتماعی عمل نکنند و مشکلاتی پدید آید، اما در این جا آیا مقصر دین و اسلام است یا مقصر انسان‌هایی است که ادعای مسلمان بودن دارند اما به خوبی عمل نمی‌کنند؟! چنانکه که گفته شد، موفقیت حکومت دینی متوقف بر احکام صحیح اسلامی، رهبران صالح، مردم سخت‌کوش و وفادار و البته ضعیف بودن دشمنان است؛ چرا که دشمنان ممکن است در مسیر تحقق اهداف نظام سیاسی، مانع‌تراشی کرده و مشکلاتی را پدید آورند. لیکن اگر سه عنصر اصلی

۳. رک: مائده: ۳، مائده: ۵۰، بقره: ۸۳، نساء: ۵۹، حدید: ۲۵، حشر: ۷.

موفقیت، وجود داشته باشد، عاقبت نیک از آن اهل تقوا و ایمان است^۴ و دیر یا زود دشمنان شکست خواهند خورد^۵.

۶. گرچه با ریزش‌هایی در زمینه دینداری روبرو هستیم، اما به استناد آن نمی‌توان رویش‌های فراوان در این عرصه را نادیده گرفت. حضور مردم در مراسمات مذهبی، هیأت‌ها، جشن غدیر، راهپیمایی پرشکوه اربعین، تشییع پیکر مراجع، علما و شهدا، رقابت جوانان برای حضور در قالب مدافعان حرم در مقابله با توطئه‌های دشمنان، حضور گسترده در صحنه‌های مختلف دفاع از نظام و ... جلوه‌های زیبایی از رویش‌های انقلاب اسلامی و دینداری است. ایستادگی و مقاومت جمهوری اسلامی در برابر دشمنی‌های پایان‌ناپذیر نظام سلطه، نشانه‌ای روشن بر دینداری مردم است. اگر نظام، این پشتوانه عظیم دینی و مردمی را نداشت، هیچگاه نمی‌توانست در برابر این همه دشمنی و توطئه تاب‌آوری و مقاومت داشته باشد. واقعیت آن است که با وجود همه ریزش‌ها و آسیب‌هایی که در این عرصه وجود دارد، دینداری مردم از نظر کمیت و کیفیت و سطح آن ارتقا پیدا کرده است. ۷. کمیت و کیفیت نفوذ اجتماعی عالمان دینی اگرچه ریشه در اعتبار و سطح دینداری مردم دارد، اما عوامل گوناگون دیگری نیز بر آن مؤثر است. علاوه بر این نفوذ اجتماعی امری است که به آسانی نمی‌توان آن را اندازه گرفت. قابل انکار نیست که امروزه بخش‌هایی از مردم به سبب مشکلات معیشتی، مفاسد برخی از مسؤولان سیاسی و اقتصادی، کم‌تقوایی یا بی‌تقوایی برخی از منسوبان به روحانیت و تبلیغات منفی گسترده دشمنان علیه روحانیت، به ویژه در فضای مجازی، با هدف جدا کردن مردم از روحانیت، از عالمان دینی فاصله گرفته‌اند. اما حوادث مختلف نشان داده است

۴. طه: ۱۳۲.

۵. غافر: ۵۱.

که اگر نظام جمهوری اسلامی به خطر بیفتد، مردم با مال و جان خود از آن دفاع می‌کنند. حضور پررنگ مردم در تشییع پیکر مراجع و علما در گذشته نشانه قدرشناسی آنان و عمق دینداری مردم ما می‌باشد.

۸. اگر حکومت، دینی باشد، فرصت تبلیغ دین و نشان دادن جلوه‌های دین‌مداری و توسعه آن بسیار بیش‌تر از زمانی خواهد بود که حکومت، غیردینی و سکولار باشد. همین امر نیز به نفع دینداری مردم و توسعه و تعمیق آن است. حکومت دینی، نسخه‌ای است که اگر به صورت صحیح اجرا شود، نتیجه معقول آن حاکمیت دین و بسط ارزش‌های الهی خواهد بود؛ نه حاکمیت بشر به نام دین، و همه باید به دنبال تحقق چنین حکومت دینی به صورت هرچه کامل‌تر باشیم!

■ منابع جهت مطالعه:

- همایش نقش حکمت در انقلاب اسلامی ایران، دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران، مجموعه مقالات همایش نقش حکمت در انقلاب اسلامی ایران.
- منصور واعظی، دستاوردهای انقلاب اسلامی (چهل سالگی)، تهران: انتشارات سروش.
- ساره جمالی زواره، دستاوردهای سیاسی انقلاب اسلامی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- محمدحسین راجی، صعود چهل ساله، مشهود: انتشارات مؤسسه سعدها.
- امیر سیاه پوش، نتایج و دستاوردهای انقلاب اسلامی در منظر آیت‌الله خامنه‌ای، مجله مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۵۵، ۱۳۹۵.
- علی محسنی مشتقین، دستاوردهای انقلاب اسلامی و مقایسه آن با زمان پهلوی با استفاده از روش تحلیل یکی از اندیشمندان، تحقیقات جدید در علوم اسلامی، شماره ۳۲، ۱۳۹۹.
- حمیدرضا مظاهری سیف، دستاوردهای انقلاب اسلامی در حوزه اندیشه، نشریه رواق اندیشه، شماره ۳۶، ۱۳۸۲.

• رشید رکابیان، دستاوردهای آموزشی و علمی چهل ساله انقلاب اسلامی، مجله مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۵۵، ۱۳۹۷.

• عبدالله، جوادی آملی، ولایت فقاہت و عدالت، قم: نشر اسراء.

• عبدالله جوادی آملی، ولایت فقیه، قم: نشر اسراء

• ابوالحسن حسنی، سیطره دین بر ساحت دنیا، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.

■ ایده‌هایی برای مقابله:

معرفی آثار تحقیقی درباره مبانی نظری فقهی، فلسفی و کلامی انقلاب اسلامی؛ برگزاری مناظرات علمی میان طرفداران نظریه سکوت و طرفداران نظریه قیام علیه ظلم در عصر غیبت، بالابردن بینش سیاسی مردم، خصوصا جوانان، درباره مسائل سیاسی داخلی و خارجی؛ معرفی آثار تحقیقی تاریخی درباره دکترین و راهبردهای سیاسی امامان شیعه علیهم السلام؛ تهیه و انتشار مستند، سریال، فیلم سینمایی درباره دستاوردهای انقلاب اسلامی در ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و دینی در سطح داخلی و بین‌المللی؛ ارتقای سطح تحلیل علمی و عقلی مردم، خصوصا نسل جوان درباره زمینه‌ها و عوامل مشکلات کشور، از طریق آثار علمی و هنری.

انقلاب اسلامی دستاورد مثبتی برای مردم

نداشته است

موضوع عام: انقلاب اسلامی
موضوع خاص: دستاوردهای انقلاب اسلامی
نام شبهه‌کننده: مجهول
منبع انتشار شبهه: گویانیوز
هدف‌های احتمالی: تضعیف نظام اسلامی، ایجاد بدبینی نسبت به انقلاب و اسلام، ایجاد محبوبیت برای رژیم پهلوی، کاستن از انگیزه‌های مردم برای یاری نظام اسلامی.
نمایه‌ها: انقلاب اسلامی، رژیم پهلوی، دستاوردهای انقلاب، رفاه اقتصادی.

تنبیه

متن شبهه

انقلاب اسلامی ایران دستاورد سودمندی برای مردم ایران نداشته است. اگر دوران حکومت پهلوی را با دوران جمهوری اسلامی مقایسه کنیم، روشن است که در زمان شاه مردم در رفاه اقتصادی بالایی قرار داشتند، ولی در دوران جمهوری اسلامی، تورم، بی‌کاری و مشکلات فراوانی مردم را در فشار قرار می‌دهد.

پیشنهادها

■ پاسخ اجمالی:

۱. نظام جمهوری اسلامی ایران که مولود پربركت انقلاب اسلامی است در حیات چهل و چندساله خود، با وجود محدودیت‌ها، تحریم‌ها، فشارهای خارجی، تحمیل جنگ هشت ساله با هدف واژگونی نظام نوپای اسلامی، تضعیف توانمندی‌های آن از طریق استحاله و انزوای سیاسی و ... که در تاریخ بشریت بی‌نظیر بوده است، توانست خدمات ارزشمندی را به ملت ایران ارائه کند؛

خدمات و دستاوردهایی که به هیچ روی با دوران قبل از انقلاب قابل مقایسه نیست. این خدمات در واقع خدمات انقلاب اسلامی به ایران و ملت ایران است. متأسفانه دعوای سیاسی، تبلیغات سهمگین دشمنان، مشکلات اقتصادی و پایین بودن سطح مطالعه در کشور ما موجب شده که بسیاری از این دستاوردها و خدمات انقلاب و نظام اسلامی همچنان مبهم و مخفی بماند.

۲. دستاوردهای انقلاب اسلامی را باید بر اساس آرمان‌های انقلاب اسلامی سنجید. آرمان‌های انقلاب اسلامی از خلال شعارهای مردم در دوران اوج حرکت‌های سیاسی مردم علیه رژیم پهلوی و پیام‌های رهبران سیاسی و فکری ملت، به ویژه حضرت امام خمینی (ره) قابل شناسایی است. البته آرمان‌های انقلاب اسلامی (استقلال آزادی، جمهوری اسلامی) که در روند نهضت اسلامی، به صورت کلی بیان می‌شد، پس از پیروزی انقلاب در قانون اساسی ۱۳۵۸ تا حد زیادی شفاف‌تر و جزئی‌تر بیان شد. دستاوردهای انقلاب اسلامی به میزان موفقیت در تحقق آرمان‌ها و شعارهای آن است. بررسی میزان انطباق آرمان‌ها و شعارها با دستاوردها می‌تواند میزان کامیابی‌ها و ناکامی‌های انقلاب اسلامی را به صورت روشن‌تری نشان دهد. یقیناً انقلاب اسلامی و نظام برآمده از آن در دستیابی به برخی از سطوح آرمان‌های خود خصوصاً در حوزه‌های اقتصادی و مقابله با فساد ناکام مانده است، اما کامیابی‌های ارزشمندی در حفظ منافع ملی و رشد و شکوفایی استعداد‌های ملت ایران در حوزه‌های مختلف سیاسی، امنیتی، دفاعی، اقتصادی، علمی، فنی و غیره داشته است. حال وقتی دستاوردهای انقلاب را با آرمان‌های انقلاب می‌سنجیم، روشن می‌شود که در چه حوزه‌هایی، موفق و در چه حوزه‌هایی ناکام بوده‌ایم. آمارها و نمودارها نشان می‌دهد که در بخش‌های زیادی دارای توفیق و کامیابی بوده‌ایم، ولی تا رسیدن به

نقطه‌های مطلوب، همچنان فاصله داریم و رسیدن به نقاط مطلوب و آرمانی تلاش و کوشش ملی را مطالبه می‌کند. کتاب سودمند «صعود چهل ساله» به خوبی نشان داده است که با وجود کاستی‌ها و مشکلات، روند پیشرفت کشور سیر صعودی دارد.

۳. انقلاب اسلامی در حوزه سیاسی تأثیرات و تحولات بسیار مثبتی به وجود آورده است. اگر چه این آثار و نتایج مثبت در پشت ابرهای جنجال‌های سیاسی و تبلیغات رسانه‌های بیگانه پنهان مانده است، اما قابل رد و نفي نیست. هرچند معمولاً انسان‌ها قدر نعمت‌ها را در وقت فقدان آن بیش‌تر درک می‌کنند، اما در عین حال یادآوری و تذکر آن می‌تواند بینش ما را درباره دارایی‌های نفیس معنوی و مادی خود افزایش دهد.

مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی تحول در نهادهای سیاسی-اجتماعی، آزادی، استقلال، گسترش مشارکت سیاسی و جایگزینی ارزش‌های اسلامی به جای ارزش‌های منحط طاغوتی بوده است. استقلال سیاسی و قطع وابستگی کشور به نظام سلطه و بازگرداندن عزت پایمال شده مردم و تبدیل کشور از حافظ منافع غرب به نظامی مستقل و تأثیرگذار در سطح منطقه و جهان....

نظام جمهوری اسلامی در مقایسه با کشورهای منطقه و بسیاری از کشورهای دنیا مستقل‌ترین کشور محسوب می‌شود. سیاست نه شرقی نه غربی، ایران اسلامی را که در دوران شاهان قاجاری و پهلوی همواره تحت نفوذ قدرت‌های استعماری و بیگانه بود، به کشوری غیر قابل نفوذ و مستقل تبدیل کرد.

قانون اساسی یکی از مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی به شمار می‌آید. اهمیت این دستاورد از این جهت است که نحوه تعامل مردم و دولت، حقوق شهروندی و نقش مؤثر مردم در اداره حکومت در آن به طور واضح و کامل دیده شده است.

آزادی بیان، قلم، فکر و اندیشه از دیگر دستاوردهای مهم انقلاب اسلامی است. در جمهوری اسلامی هیچ

فرد حقیقی و حقوقی به سبب انتقاد از مسؤولان کشور مؤاخذه نمی‌شود. اعتماد به نفس و احساس امنیتی که در کشور ما وجود دارد، باعث می‌شود که افراد در برابر بالاترین مقام سیاسی یا اجرایی با صراحت انتقاد کنند. یکی دیگر از ثمرات انقلاب، مشارکت سیاسی آحاد ملت در تمامی مسائل کشور است. مردم ایران پس از انقلاب، تمام نهادهای سیاسی را به طور مستقیم یا غیرمستقیم تعیین می‌کنند و شرکت آزادانه مردم در انتخابات و نرخ مشارکتی که مردم در انتخابات مختلف داشته‌اند، بیانگر اهمیت و جایگاه این مسئله در نظام جمهوری اسلامی و شناسایی نقش مردم به عنوان سرچشمه قدرت است. ایجاد نظام مردم سالاری دینی، گسترش گروه‌ها و احزاب سیاسی، گسترش انتقادپذیری در میان مسؤولان سیاسی، عدم وجود زندانی سیاسی، تفکیک قوای حاکمیتی و نفی استبداد، رشد سیاسی و آگاهی‌های عمومی و حضور مردم در صحنه‌های مختلف و برابری همه آحاد ملت (مسئول و غیرمسئول) در برابر قانون دیگر دستاوردهای سیاسی انقلاب اسلامی است.

انقلاب اسلامی در شرایطی رخ داد که هویت اسلامی به شدت تضعیف شده بود و ایده‌های لیبرالیستی و سوسیالیستی بر جهان حاکمیت داشت و ذهن‌های انسان‌ها بالتبع زیر نفوذ یکی از این دو قطب قدرت قرار داشت. انقلاب اسلامی در حالی روی داد که بشر در عرصه مدیریت و زندگی اجتماعی تصویر ایده‌آلی در ذهن خود نداشت و حتی آن را غیرممکن می‌دانست.

به اعتقاد آقای «بدی» سیاست شناس ایرانی الاصل فرانسوی، انقلاب ایران، انقلابی متحیرکننده بود و خود را بر اندیشه سیاسی حاکم جهان تحمیل کرد و آن را به مبارزه طلبید. به نظر یک متخصص آمریکایی در امور مسایل سیاسی، انقلاب ایران اساساً در بعدی عمیق‌تر، علوم اجتماعی را دچار بحران نموده است؛ چون آنچه در ایران قابل انتظار بود. تسریع روند سکولارشدن و رشد

لائسزم بود، نه تولید يك حکومت دینی، آن هم با تکیه بر انقلابی فراگیر و مردمی. انقلاب اسلامی چنان تأثیری در تحولات بین المللی به جاي گذاشت که کارشناسان مسایل بین المللی از آن به عنوان رنسانس در جهان معاصر یاد می‌کنند. با انقلاب اسلامی فلسفه حکومت در ایران تغییر کرد و این تغییر، تحول در فلسفه حاکمیت در اندیشه‌ها را نیز به دنبال داشت و معادلات سیاسی موجود در دنیا را مورد چالش قرار داد.^۲

۴. انقلاب اسلامی علاوه بر احیای هویت و منزلت ایران و بازسازی هویت دینی و ملی ایرانیان، ایران را در جغرافیای جهان سرافراز ساخت. برای جهان اسلام در درجه اول و برای جهان مسیحیت در جغرافیای جهان پیام و الهامات نظری و عملی در بعد زندگی سیاسی و اجتماعی به ارمغان آورد. از این رو کارکرد عملی انقلاب در سه حوزه داخلی، منطقه‌ای و جهانی قابل بررسی و تحلیل است.

خروج ایران از سلطه سیاسی و فرهنگی غرب به رهبری آمریکا، حفظ منافع ملی از طریق دیپلماسی فعال و حضور مؤثر بین المللی، تجدید حیات اسلام در افکار مسلمانان، زمینه‌سازی مؤثر برای ظهور جنبش‌ها و نهضت‌های اصول‌گرای در منطقه، احیای تفکر دفاع از فلسطین و تبدیل آرمان فلسطین از آرمانی ناسیونالیستی - عربی به آرمانی اسلامی - انسانی^۳، احیای حج حقیقی و ابراهیمی، احیای ارزش‌ها، سنت‌ها، آداب و رسوم اسلامی در میان ملل مسلمان و بازگشت مسلمانان به هویت اسلامی و اصیل خود و احساس عزت و غرور اسلامی^۴، رشد و بالندگی آزاداندیشی در اذهان ملت‌های زیر سلطه غرب^۵، رشد الهیات

۲. همان، ص ۱۰.

۳. دکتر ملکوتیان، انقلاب اسلامی، چرایی و چگونگی رخداد آن، جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۰، ص ۳۱۳.

۴. رسالت، ۸۲/۱۲/۱۱.

۵. انقلاب اسلامی چرایی و چگونگی رخداد آن، ص ۲۱۳. هریر روزنامه نگار سویسی درباره تأثیر انقلاب اسلامی و شعار حمایت از مستضعفان می‌نویسد: «به دنبال انقلاب اسلامی، آمریکای لاتین شاهد دهها کشیش بود که با انتقاد از پاپ خواستار تجدید نظر در آیین کلیسای واتیکان بودند».

رهایی بخش به معنای پناه بردن به کلیسا برای رهایی از مشکلات اجتماعی و سیاسی؛ در آمریکای لاتین، بیداری اسلامی و گرایش به دین اسلامی و انقلاب اسلامی در جهان^۶، بخش دیگری از دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران در سطح ملی، بین‌المللی و جهانی است.

انقلاب اسلامی، کشورهای آفریقایی را نیز تحت تأثیر قرار داد. نلسون ماندلا رهبر کنگره ملی آفریقا و اولین رئیس جمهوری آفریقای جنوبی پس از رهایی از آپارتاید، در جریان سفر به ایران اظهار داشت: «انقلاب اسلامی ایران با رهبری امام خمینی امیدهای فراوانی را برای قیام مردم آفریقای جنوبی در مبارزه با بی‌عدالتی به همراه داشته و بدون تردید تاریخ هرگز نقش ایران اسلامی را فراموش نخواهد کرد!»^۷

۵. پیشرفت در شاخص‌های مختلف انسانی، بهداشتی، آموزشی، غذایی، توسعه چندین برابری خدمات عمرانی (آبرسانی، برقرسانی، گازرسانی، تلفن، راه‌سازی و سدسازی و ...) دستاوردهای خیره‌کننده در عرصه‌های مختلف علمی، پزشکی، نانو، هوا فضا، الکترونیک، بیوتکنولوژی، هسته‌ای، دفاعی و قرارگرفتن کشور در میان چندین کشور برتر دارنده این فناوری‌ها، با وجود همه تحریم‌ها و فشارها

رشد چندین برابری علمی کشورمان در مقایسه با رشد متوسط علمی جهان و کسب رتبه شانزدهم علمی جهان.

پیشرفت‌های کشور به گونه‌ای است که یرواند آبراهامیان، مورخ مقیم آمریکا و استاد دانشگاه‌های آکسفورد و... می‌نویسد: «... دستاوردهای انقلاب اغلب نادیده گرفته می‌شود... برای نمونه برنامه‌های مبارزه با بی‌سوادی و احداث مدارس و دانشگاه‌ها، همچنین توسعه جاده‌های روستایی و همچنین خانه‌های بهداشت و مراکز سلامت در روستا، ... اگرچه

۶. رسالت، ۱۱/۱۲/۸۱. گریکت عضو برجسته سیانیز در اظهاراتی می‌افزاید: «اگر تاریخ تکرار شود و ایران از بین برود جهان اسلام از بین خواهد رفت».

۷. روزنامه جمهوری اسلامی، چهارده مرداد ۱۳۷۱.

اغلب افراد از لحاظ رفاه اقتصادی و مسائل اجتماعی مشکلاتی دارند، اما رژیم جمهوری اسلامی به نسبت رژیم شاه واقعاً در این زمینه کارنامه بهتری داشته است. بنابراین اگر دورژیم را مقایسه کنید، گرچه نارضایتی‌های اقتصادی وجود دارد، رژیم کنونی در برنامه‌های رفاه اجتماعی بسیار خوب عمل کرده است»^۸.

۶. ادعای رفاه اقتصادی در دوره شاه، دروغ بزرگی است که در راستای تطهیر چهره منحوس رژیم پهلوی صورت گرفته و سال‌ها است که با تبلیغات رسانه‌ای گسترده مطرح می‌شود، اما بر اساس اسناد تاریخی نه تنها مردم در زمان شاه از نظر اقتصادی وضعیت خوبی نداشته‌اند، بلکه از امکانات اولیه زندگی هم محروم بودند. تا جایی که حتی برخی از سلطنت‌طلبان نیز به این مسأله اذعان دارند. به عنوان نمونه فریدون هویدا^۹ در کتاب خاطراتش می‌نویسد: «علیرغم برکناری زاهدی، اوضاع اقتصادی کشور روز به روز بدتر می‌شد. گرچه که بعد از سقوط مصدق، بهره‌برداری از نفت ایران را کنسرسیومی متشکل از کمپانی‌های غربی به عهده گرفت و درآمد ایران هم از بابت فروش نفت (به صورت دریافت ۵۰ درصد سود)، به مراتب بیش‌تر از گذشته شد؛ ولی به خاطر فساد گسترده و عدم کارایی در امور کشور، تمام درآمد نفتی به هدر می‌رفت و یک بار دیگر، ایران در معرض تهدید و ورشکستگی قرار گرفته بود.»^{۱۰}

علینقی عالیخانی از مقامات عالی‌رتبه اقتصادی رژیم پهلوی که در اغلب سال‌های دهه ۴۰ نیز وزارت اقتصاد را برعهده داشت، طی مقدمه‌ای که بر یادداشت‌های اسدالله علم نگاشته، به تفصیل کارکردها و دستاوردهای رژیم پهلوی را در عرصه‌های مختلف مورد بررسی قرار داده است. در بخشی از این مقدمه

۸. دستاوردهای انقلاب اسلامی به روایت بیگانگان؛

<https://www.farsnews.ir/news/1400111800008>

۹. بادر امیر عباس هویدا و نماینده دئم ایران در سازمان ملل تا قبل از انقلاب.
۱۰. فریدون هویدا، سقوط شاه، ترجمه ح. ا. مهران، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۵، صص ۱۳۴-۱۳۳.

می‌خوانیم: «... در ۱۳۵۵ تنها ۷۵ درصد از کودکان به آموزش دسترسی داشتند، آن هم در شرایطی که حتی در پایتخت مدرسه‌ها تا سه نوبت کار می‌کردند و شمار شاگردان هر کلاس به ۷۰-۸۰ نفر می‌رسید. برپایه گزارش سال ۱۹۷۹ بانک جهانی، درصد اشخاص بالغ باسواد در ۱۹۷۵، در تانزانیا ۶۶، در ترکیه ۶۰ و در ایران ۵۰ بیش نبود، همچنین در ۱۹۷۷ انتظار عمر متوسط (امید به زندگی) در ترکیه ۶۰، در ایران ۵۲ و در هندوستان و تانزانیا ۵۱ سال بود. به زبان دیگر، چه در زمینه آموزشی و چه در زمینه بهداشتی، وضع ایران از کشورهایی که درآمد کمتری یا خیلی کمتر داشتند، بهتر نبود.»^{۱۱}

این ادعاها در حالی مطرح می‌شود که براساس آمار بانک جهانی ۴۶ درصد جمعیت ایران در سال ۱۳۵۶ زیر خط فقر زندگی می‌کردند و این یعنی ۱۶ میلیون نفر. از جمعیت فقراى ایران در دهه ۵۰ شمسی نیز حدود ۴ میلیون نفر (۱۲ درصد کل جمعیت) زیر خط گرسنگی بوده‌اند؛ یعنی سوء تغذیه شدید. به استناد یک تحقیق در دانشگاه آکسفورد: «از مجموع ۳۰ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر جمعیت ایران در سال ۱۳۵۱ مصرف کالری ۱۶ میلیون نفر کمتر از حداقل نیاز بود و ۴ میلیون نفر دچار سوء تغذیه شدید بوده‌اند.»^{۱۲}

جان فوران استاد دانشگاه کالیفرنیاى امریکا از وضعیت تغذیه و بهداشت در جامعه ایران در زمان پهلوی دوم اینگونه می‌نویسد: «۶۵ درصد شهرنشینان در سال ۱۳۵۱-۱۳۵۲ش دچار سوء تغذیه بودند (که ۲۵ درصد این‌ها وضع تغذیه شان بسیار بد بود) و این در مقایسه با ۴۲ درصد در روستاها، رقم بسیار بالایی است. آمار و ارقام بهداشتی نشان می‌دهد که بر تعداد تخت‌های بیمارستان، کلینیک‌ها، پزشک و پرستار افزوده شده، اما در سال ۱۳۵۶ ایران هنوز در خاورمیانه، بدترین،

۱۱. علم، امیر اسد الله، یادداشت‌های امیراسدالله علم، تهران: انتشارات مازیار و معین، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۲۱-۱۲۰.

۱۲. www.mizan.news/fa/news/699628.

نسبت پزشک - بیمار، بالاترین نرخ مرگ و میر نوزادان و اطفال و پایین‌ترین، نسبت تخت بیمارستان به جمعیت را دارا بوده است.»^{۱۳}

وی در کتاب خود به وضعیت توسعه در روستاها پرداخته، در این خصوص می‌نویسد: «به رغم ایجاد مدرسه‌های روستایی توسط سپاه دانش، تنها ۱۵ درصد روستاییان در سال ۱۳۵۰ ش از تحصیلات ابتدایی برخوردار می‌شدند. در سال ۱۳۵۴ ش، ۶۰ درصد مردان و ۹۰ درصد زنان روستایی بی‌سواد بودند. در سال‌های دهه ۱۳۵۰ ش، ۹۶ درصد روستاها برق نداشتند.»^{۱۴}

دکتر پرواند آبراهامیان، آمار وحشتناکی را در خصوص وضعیت پزشکان و تحصیل در زمان پهلوی دوم بیان می‌کند که نشان از اوضاع بسیار بد کشور داشته است: «انقلاب سفید محمدرضا شاه پهلوی و در پی آن رونق درآمد نفت به جای پاسخگویی به انتظارات عمومی، موجب افزایش نارضایتی‌های گسترده شد. درست است که اجرای برنامه‌های اجتماعی در بهبود وضعیت آموزشی و امکانات بهداشتی بسیار مؤثر بود. اما این نکته نیز صحت دارد که ایران پس از دو دهه یکی از بدترین کشورها در بخش مرگ و میر کودکان و نسبت پزشک به بیمار در خاورمیانه بود. یکی از پایین‌ترین نرخ‌های آموزش عالی مربوط به این کشور بود. افزون بر این، ۶۸ درصد از جمعیت بزرگسال بی‌سواد بودند، ۶۰ درصد از کودکان نمی‌توانستند دوره دبستان را به صورت کامل طی کنند و تنها ۳۰ درصد از داوطلبان کنکور می‌توانستند وارد دانشگاه‌ها شوند. در این میان شمار افراد متقاضی تحصیل در خارج از کشور رو به رشد بود. در دهه ۱۳۵۰/۱۹۷۰ شمار پزشکان ایرانی مستقر در نیویورک بیش‌تر از شهرهای غیر از تهران بود.»^{۱۵}

آنتونی پارسونز سفیر وقت انگلیس در ایران می‌گوید:

۱۳. فوران، جان، مقاومت شکننده، ترجمه احمد تدین، تهران: رسا، ص ۴۹۲.

۱۴. همان، ص ۴۷۷.

۱۵. آبراهامیان، پرواند، تاریخ ایران مدرن، ترجمه محمد ابراهیم فتاحی، ص ۲۵۵-۲۵۳.

«زمان زیادی طول نکشید که فهمیدم سیاست‌های شاه، هرچه که برای مردم به ارمغان آورده باشد، آسایش و خوشبختی به همراه نداشته است؛ حداقل در رابطه با مردم تهران که چنین بود.»^{۱۶}

■ منابع جهت مطالعه:

- سید محمدحسین راجی، صعود چهل‌ساله، مشهد: انتشارات مؤسسه سعدها
- اسحاقی، حسین، ارمغان انقلاب: تلخیصی از نود و دو دستاورد انقلاب اسلامی ایران، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما
- جمعی از نویسندگان، انقلاب چهل ساله؛ نگاهی به دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران، قم: بوستان کتاب
- دستاوردهای علمی انقلاب اسلامی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- همایش نقش حکمت در انقلاب اسلامی ایران، دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران، مجموعه مقالات همایش نقش حکمت در انقلاب اسلامی ایران
- منصور واعظی، دستاوردهای انقلاب اسلامی (چهل سالگی)، تهران: انتشارات سروش
- ساره جمالی زواره، دستاوردهای سیاسی انقلاب اسلامی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- امیر سیاه پوش، نتایج و دستاوردهای انقلاب اسلامی در منظر آیت‌الله خامنه‌ای، مجله مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۵۵، ۱۳۹۵
- علی محسنی مشتقین، دستاوردهای انقلاب اسلامی و مقایسه آن با زمان پهلوی با استفاده از روش تحلیل یکی از اندیشمندان، تحقیقات جدید در علوم اسلامی، شماره ۳۲، ۱۳۹۹
- حمیدرضا مظاهری سیف، دستاوردهای انقلاب اسلامی در حوزه اندیشه، نشریه رواق اندیشه، شماره

۱۶. روایت یک سقوط از زبان آنتونی پارسونز؛

• رشید رکابیان، دستاوردهای آموزشی و علمی
چهل ساله انقلاب اسلامی، مجله مطالعات انقلاب
اسلامی، شماره ۵۵، ۱۳۹۷.

■ ایده‌هایی برای مقابله:

بالا بردن بینش سیاسی مردم، خصوصا جوانان،
درباره مسائل سیاسی داخلی و خارجی؛ معرفی
آثار تحقیقی تاریخی درباره دکترین و راهبردهای
سیاسی امامان شیعه علیهم السلام؛ تهیه و انتشار
مستند، سریال، فیلم سینمایی درباره دستاوردهای
انقلاب اسلامی در ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی،
اقتصادی و دینی در سطح داخلی و بین المللی؛
ارتقای سطح آگاهی و تحلیل علمی و عقلی مردم،
خصوصا نسل جوان درباره زمینه‌ها و عوامل
مشکلات کشور، از طریق آثار علمی و هنری؛ حمایت از
طرح‌های پژوهشی در موضوع دستاوردهای انقلاب
و نظام اسلامی باهدف اطلاع‌رسانی، آسیب‌شناسی
و کمک به پیشرفت کشور.

انقلاب ۵۷ و مسأله زن

موضوع عام: انقلاب اسلامی

موضوع خاص: انقلاب اسلامی و مسأله زن

نام شبهه‌کننده: صدیقه و سمدقی

منبع انتشار شبهه: سایت راه کارگر:

rahekaregar.com

هدف‌های احتمالی: ایجاد نگرش منفی نسبت به

انقلاب و جمهوری و فقه اسلامی، تضعیف انگیزه

زنان در حمایت از نظام اسلامی، متهم ساختن

انقلاب و نظام اسلامی به زن‌ستیزی.

نمایه‌ها: انقلاب اسلامی، زن، حقوق زنان،

شرع، فقه، قانون.

شناسه شبهه

متن شبهه

۱. پیش از انقلاب ۵۷ با آنکه جامعه ایران جامعه‌ای سنتی بود، اما تلاش‌هایی برای تغییر شرایط زنان صورت می‌گرفت. این تلاش‌ها را می‌توان در اصلاح قوانین به نفع زنان مشاهده نمود؛ اصلاحاتی که عمدتاً توسط حکومت انجام می‌شد و محصول مبارزات اجتماعی و مدنی زنان نبود. این اصلاحات همواره مورد مخالفت روحانیت قرار می‌گرفت، اصلاحاتی مانند اعطای حق رأی به زنان، اعطای حق قیمومت و سرپرستی به مادران، افزایش سن قانونی ازدواج، برخورداری زنان از حق طلاق و ... که به بهبود شرایط زنان و استقلال آنان کمک می‌کرد، توسط روحانیت مخالف شرع خوانده و حتی عاملی جدی برای مخالفت با رژیم پهلوی محسوب می‌شد. تلاش‌ها و اصلاحات می‌توانست به تدریج مسئله زن را حل کند، اما بلافاصله پس از انقلاب ۵۷ تمام اصلاحات صورت گرفته در رابطه با حقوق زنان ملغی اعلام شد.

۲. یکی از پیامدهای ناگوار حاکمیت دستگاه فقاقت،

بی‌اعتباری و ناپایداری قانون است. در این دستگاه، اندیشه و سلیقه و به عبارتی فتوای هرفقیه، می‌تواند به منزله قانون باشد و در نتیجه قانون موضوعه را نقض کند. این اندیشه راه را برای اعمال سلیقه‌های فردی باز کرده که در این میان زنان یکی از اقشاری هستند که بیش‌ترین آسیب‌ها و زیان‌ها را از این ناحیه متحمل می‌شوند.

پیشنهادها

■ پاسخ‌اجمالی:

۱. نویسنده این شبهه ظاهراً هنوز در حوالی سال‌های چهل شمسی توقف کرده و به دوران جدید جامعه ایرانی وارد نشده است. شبهه‌کننده می‌پندارد که وضعیت زنان ایرانی هنوز همان وضعیت چندصد سال پیش است و بر اثر انقلاب اسلامی و در قوانین اساسی و موضوعه جمهوری اسلامی ایران هیچ تغییر مثبتی به سود زنان صورت نگرفته است. ادعاهای نویسنده در حالی است که به اذعان دوست و دشمن، وضعیت زنان پس از انقلاب اسلامی با پیش از آن به هیچ وجه قابل مقایسه نیست. علاوه بر به رسمیت شناخته شدن شخصیت و حقوق زنان در قانون اساسی، در چهل و پنج سال اخیر قوانین بسیاری در حوزه‌های مختلف فردی، خانوادگی و اجتماعی-سیاسی به سود زنان تصویب و اجرایی شده است. هرچند بسیاری از امور زنان و خانواده، هنوز هم از عدم تعادل و توازن مطلوب رنج می‌برد، اما تحول‌نگرشی و عملی درباره شخصیت و حقوق زنان بر اثر انقلاب اسلامی و در نظام حکمرانی جمهوری اسلامی، قابل انکار نیست.

از ابتدای شکل‌گیری جمهوری اسلامی، از نظر حقوقی، زنان در همه امور با مردان تقریباً مساوی تلقی شدند. هرچند به سبب تفاوت‌های طبیعی در حوزه جنس و جنسیت، تشابه کامل مردان و زنان ممکن نیست؛ لیکن امروزه در امور سیاسی، شغلی، اقتصادی، فرهنگی و غیره، از نظر قانونی زنان از همه فرصت‌هایی که همواره در اختیار مردان بوده

است، برخوردارند.

۲. برخلاف تصور توهم نویسنده، مخالفت علمای اسلام با حرکت‌هایی که رژیم فاسد پهلوی ظاهراً به سود زنان انجام می‌داد، نه با انگیزه مخالفت با شخصیت و حقوق زنان، بلکه مخالفت با برنامه‌های منافقانه و اهداف خبیثانه حکومت پهلوی برای سوءاستفاده از جامعه زنانی ایرانی بود. هدف رژیم فاسد پهلوی از اعطای برخی از حقوق و فرصت‌ها به زنان، اولاً برای فریب افکار عمومی داخلی و خارجی و در واقع نوعی نمایش مردمی بودن رژیم و ثانیاً برای از بین بردن نهاد خانواده و استفاده گسترده‌تر از جاذبه‌های زنانه در جهت نابودی فرهنگ اسلامی و چارچوب‌های دینی بود؛ و گرنه حتی شخص اول رژیم، یعنی محمدرضا هم نگرش مثبتی به شخصیت و صلاحیت و توانمندی زنان باور نداشت و علاوه بر سبک زندگی فاسد شخصی خود و اطرافیانش در ارتباط با زنان، در مصاحبه با اوریا فالاجی به صراحت از نگرش تحقیرآمیز خود به زنان سخن گفت. در مقابل اگر به سخنان حضرت امام خمینی و مقام معظم رهبری درباره زنان مراجعه کنیم، خواهیم دید که رهبران انقلاب و جمهوری اسلامی، علاوه بر سلوک عفیفاً و انسانی با زنان، نگرشی کاملاً مثبت، تکریم‌گرانه و احترام‌آمیز به زن و زنانگی دارند و همین نگرش مثبت اسلامی، همواره خاستگاه تحولات بسیار مثبتی در حوزه شخصیت و حقوق زنان بوده است.

۳. جمهوری اسلامی مولود انقلاب اسلامی و انقلاب اسلامی مبتنی بر معارف و آموزه‌های اسلامی بوده است. از این رو هرگونه تحول مثبت و ایجابی در حوزه حقوق زنان می‌بایست مبتنی بر مبانی و متناسب با نگرش و اهداف اسلامی درباره انسان، سبک زندگی و ارتباطات اجتماعی او باشد. انقلاب اسلامی و نظام برآمده از آن نمی‌تواند برای خوشایند این و آن از مبانی و چارچوب‌های متین و فطری خود در حوزه مناسبات فردی و اجتماعی زن و مرد دست بردارد. تفاوت‌هایی که احياناً میان زن و مرد (مثلاً در حوزه پوشش، حق طلاق و غیره) وجود دارد، بر اساس مصالح و مفاسد واقعی و برای تحقق اهداف اخلاقی و

معنوی اسلامی است و در برخی از موارد با نگرش و اهداف فرهنگ‌های غیر اسلامی در حوزه زندگی فردی و اجتماعی انسان تفاوت مبنایی و ظاهری دارد. از این رو توقع اینکه جمهوری اسلامی در حوزه زنان همان راهی را برود که کشورهای غربی رفته و امروز با بحران هویت انسانی، بحران خانواده، بحران اخلاق و معنویت مواجه‌اند، انتظاری جایی است.

۴. برای کسی که خود را دانش‌آموخته فقه و مبانی حقوق می‌داند، بسیار زشت و ناپسند است که بی‌محابا دروغ بگوید. مبانی و فرایند قانون‌نویسی و قانونگذاری در جمهوری اسلامی کاملا روشن است و فتوای فقیهان هیچ‌گاه به عنوان قانون مورد عمل قرار نمی‌گیرد. هیچ قانونی جز از طریق تصویب در مجلس شورای اسلامی اجرایی نمی‌شود. البته خاستگاه یک قانون می‌تواند نظر فقها باشد، چنانکه خاستگاه قوانین عرفی در کشورهای دیگر، تشخیص بخشی از متخصصان یا نمایندگان مجالس است، اما خود فتوای فقیه هیچ‌گاه بدون طی فرایند قانونگذاری به قانون تبدیل نشده است. البته فتاوی فقیهان برای مقلدان آنان حجیت شرعی و عقلانی دارد و هر فرد در زندگی شخصی خودش می‌تواند بر اساس نظر مرجع دینی خود عمل کند، اما این امر به فرایند قانونگذاری رسمی ارتباطی ندارد. نکته دیگر اینکه طبق قانون اساسی مصوبات مجلس شورای اسلامی نباید با قانون اساسی و احکام شرع مغایر باشد؛ از این رو تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس با شرع از طریق تطبیق آن با نظر مشهور فقیهان سنجیده می‌شود. این امر هم به معنای قانون شدن فتاوی فقهانیست.

■ منابع جهت مطالعه:

• طاهره محسنی، تطبیق جایگاه حقوقی زن در اسلام و کنوانسیون‌های بین‌المللی و نقش آن در پیشرفت انقلاب اسلامی، مجموعه مقالات نخستین همایش بین‌المللی بازخوانی آثار علمی و فرهنگی انقلاب اسلامی ایران (۲۲ صفحه - از ۱۱۲۵ تا ۱۱۴۶)

- محمدرضا باقرزاده، نگاهی به حقوق زن در اسلام؛ نقدی بر کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، مجله معرفت، شماره ۷۰، ۱۳۸۲
- محمدرضا کدخدایی، مبانی مقایسه ای ارزشی نظام حقوق زن در اسلام و فمینیسم، مجله مطالعات راهبردی زنان، شماره ۵۷، ۱۳۹۱.
- طاهره سادات نعیمی، مقایسه حق ازدواج زن در اسلام و اسناد حقوق بشر، مجله مطالعات فقه و حقوق اسلامی، شماره ۱۱، ۱۳۹۳
- مرکز بررسی اسناد تاریخی، دین ستیزی رژیم پهلوی، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۷۷
- زهره قآنی، کاهش شکاف جنسیتی در جمهوری اسلامی و تاثیر آن بر جنبش اجتماعی زنان (با تاکید بر دهه های دوم و سوم پس از انقلاب)، مجله رهیافت انقلاب اسلامی، شماره ۵۰، ۱۳۹۹.
- مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، قم: انتشارات صدرا
- عبدالله جوادی آملی، زن در آینه جمال و جلال، قم: انتشارات اسراء
- پرسمان دانشجویی، شماره های ۳۸ و ۳۹، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها،
- فاطمه قاسمپور، مطالعه تطبیقی رویکرد فمینیسم اسلامی و امام خمینی (ره) در تحقق حقوق اجتماعی و سیاسی زنان در حکومت اسلامی، مجله نظریه های اجتماعی متفکران مسلمان، شماره ۱۷، ۱۳۹۸.

■ ایده‌هایی برای مقابله:

بالا بردن بینش سیاسی مردم، خصوصا جوانان، درباره مسائل سیاسی داخلی و خارجی؛ تهیه و انتشار مستند، سریال، فیلم سینمایی درباره دستاوردهای انقلاب اسلامی در ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و دینی در سطح داخلی و بین المللی، به ویژه در قلمرو شخصیت و حقوق زنان؛ ارتقای سطح آگاهی و تحلیل علمی و عقلی مردم،

خصوصاً نسل جوان درباره زمینه‌ها و عوامل مشکلات کشور، از طریق آثار علمی و هنری؛ حمایت از طرح‌های پژوهشی در موضوع دستاوردهای انقلاب و نظام اسلامی با هدف اطلاع‌رسانی، آسیب‌شناسی و کمک به پیشرفت کشور؛ تهیه و انتشار پژوهش‌های تطبیقی درباره منزلت و حقوق زنان در جمهوری اسلامی و کشورهای دیگر، از طریق کارهای علمی و هنری.

ما اینکاره نبودیم

موضوع عام: انقلاب اسلامی

موضوع خاص: دستاوردهای انقلاب

نام شبهه‌کننده: شهاب الدین حائری شیرازی

منبع انتشار شبهه: کانال ویرایش ذهن:

https://t.me/virayeshe_zehn

هدف‌های احتمالی: تضعیف رهبری روحانیت،

متهم ساختن روحانیت به دخالت در امور

تخصصی، تضعیف مشروعیت جمهوری اسلامی.

نمایه‌ها: روحانیت، انقلاب اسلامی، جمهوری

اسلامی، رهبری.

شناسه شبهه

متن شبهه

وضعیت دنیای ما که معلوم است. کافی است وضعیت فعلی ما را با همسایگان جنوبی مقایسه کنید که در سال انقلاب یا ما پیش بودیم یا هم طراز، اما امروز رسیدن به وضعیت آن‌ها برای ما یک رؤیا است. به نظر بنده به قدرت رسیدن روحانیت و دقیقاً ولایت فقیه، محور شکست انقلاب در رؤیاهایش است. چرا؟ چون ما این کاره نبودیم. سرمان در کتاب و بحث و درس بود؛ درسی که ربطی به پیچیدگی‌های اداره جامعه نداشت. شاید اگر سال ۵۸ رهبری به فردی نظیر شهید دکتر بهشتی که نگاهی به‌روز و توسعه‌گرا داشت، محول شده بود، ما نه با آمریکا درگیر می‌شدیم نه به دامن جنگ ۸ ساله می‌افتادیم و نه تحریم و ... سپردن رهبری نظام، که چیزی ورای رهبری انقلاب بود و پس از تصویب قانون اساسی شکل گرفت، به امام راحل، زمینه همین وضعیتی که امروز به آن مواجهیم را فراهم کرد. امام یک فرد مهذب، بااستقامت و قوی بود و البته دارای معلومات در زمینه علوم اسلامی، اما کسی نبود که بتواند ابعاد روابط پیچیده دنیا را دقیق

بداند. این امر از مواجهه ایشان با تسخیر سفارت آمریکا کاملاً پیداست.

اتفاقاً در بین طبقه حاکم، هاشمی رفسنجانی، که قدری کار بساز و بفروشی قبل انقلاب کرده بود، زودتر از بقیه فهمید تصمیم‌گیری‌های معطوف به ادامه معارضه ایران و آمریکا، از باندهای قدرت فاسد متأثر است که از ادامه معارضه فریبه می‌شوند. او از دهه هفتاد در حل نزاع سعی کرد. وقتی معاون پارلمانی‌اش، عطاءالله مهاجرانی، یادداشت مذاکره مستقیم را نوشت؛ اما تمام تلاش‌های او تا دم مرگ بی‌ثمر ماند.

پیشنهادها

■ پاسخ‌اجمالی:

۱. ظاهراً خود نویسنده شبهه هم هنوز متوجه نشده که بالاخره ما اینکاره بودیم یا نبودیم! یک جا می‌گوید که روحانیت نباید رهبری می‌کرد و بلافاصله می‌گوید رهبری نظام باید به مرحوم شهید بهشتی داده می‌شد. آیا مرحوم بهشتی روحانی نبود؟! ظاهراً مشکل نویسنده با شخص امام خمینی (رضوان الله علیه) است و گرنه حتی به رهبری هاشمی رفسنجانی هم راضی است! اینکه مرحوم امام خمینی یک انسان بوده و ممکن است در برخی از تصمیم‌گیری‌ها و نظرات خود گرفتار خطا شده باشد، امری بدیهی است، اما اینکه همه مشکلات کشور نظرات امام درباره آمریکا و به معارضه با آمریکا تقلیل داده شود، جای تأمل فراوان دارد. ساده‌سازی مشکلات آن هم به روش نویسنده، دقیقاً مصداق سخن خود او است که می‌گوید: "ما اینکاره نبودیم". سؤال این است که الان چه کسی به نویسنده این اطمینان را داده است که در نقد جمهوری اسلامی اینکاره است؟! شما هم معلومات حوزوی دارید و اگر داشتن معلومات حوزوی، به معنای نشناختن دنیا و پیچیدگی‌های آن است، بنابر این خود نویسنده هم برای نقد وضعیت‌های موجود اینکاره نیست. پس لطفاً سکوت کنید!

۲. کسانی به رهبری حضرت امام خرده می‌گیرند که از رهبری و مدیریت کلان جامعه درک درستی نداشته و چنین مسائلی در حد و اندازه فهم آن‌ها نیست. توانمندی و ویژگی‌های ممتاز مدیریتی، هدایت‌گری حضرت امام اعتراف سیاستمداران و اندیشمندان غربی را به دنبال داشته است. به عنوان نمونه میخائیل گورباچف، آخرین رهبر شوروی سابق در مورد ایشان می‌گوید: «امام خمینی(ره) فراتر از زمان می‌اندیشید و در بعد مکان نمی‌گنجید. او توانست اثر بزرگی در تاریخ جهان به جای بگذارد»^۱.

هنری کیسینجر نظریه پرداز مشهور آمریکایی در مورد مدیریت امام چنین می‌گوید: «آیت الله خمینی غرب را با بحران جدی برنامه‌ریزی مواجه کرد. تصمیمات او آن چنان رعدآسا بود که مجال هر نوع تفکر و برنامه‌ریزی را از سیاستمداران و نظریه‌پردازان سیاسی می‌گرفت. هیچکس نمی‌توانست تصمیمات او را از پیش حدس بزند. او با معیارهای دیگری غیر از معیارهای شناخته شده در دنیا سخن می‌گفت و عمل می‌کرد. گویی از جای دیگر الهام می‌گرفت»^۲.

۳. این تصور که اگر رهبری نظام با احتیاط بیش‌تری در قبال آمریکا یا برخی مسائل برخورد می‌کرد، امروز شاهد کاهش دشمنی از سوی آن‌ها و مشکلات کم‌تری در کشور بودیم، ناشی از درک نکردن ماهیت نظام جمهوری اسلامی و دلایل دشمنی نظام سلطه با آن است. مشکل آمریکا با جمهوری اسلامی بر سر تسخیر سفارت او نبوده و به بنیان‌های فکری و فرهنگی آن و ماهیت اسلامی، استقلال طلبانه و سلطه‌ستیزانه آن باز می‌گردد که هویت نظام سلطه و مبانی فکری آن را نشانه رفته و به

۱. امام خمینی(ره) از دید چهره‌های سرشناس جهان؛

mashregnews.ir/news/582862

تاریخ انتشار: ۱۲ خرداد ۱۳۹۵

۲. انقلاب اسلامی؛ «انقلابی که جهان را لرزاند»؛

mizanonline.com/fa/news/595261

تاریخ انتشار: ۲۲ بهمن ۱۳۹۸

چالش کشیده است. دشمنی آمریکا با کشور ما به قبل از تسخیر سفارت این کشور و کودتای بیست و هشت مرداد سال ۱۳۳۲ برمی‌گردد.

۴. نگاه سطحی و درک نادرست از دلیل اصلی دشمنی نظام سلطه با جمهوری اسلامی و تقلیل آن به مواضع و عملکرد نظام جمهوری اسلامی در برخی مسائل، موجب شده تا دشمنی نظام سلطه و آمریکا با جمهوری اسلامی نتیجه عملکرد کشورمان و وضعیت موجود را هزینه تصمیمات اوایل انقلاب تلقی نمایند. بررسی رفتارهای خصمانه آمریکا در تاریخ معاصر کشورمان به خوبی بیانگر آن است که دشمنی آمریکا با کشور ما به مسائلی مانند انقلاب و تسخیر سفارت آمریکا توسط دانشجویان و ... ارتباط نداشته و به سالیان بسیار قبل از این ماجرا باز می‌گردد. کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ترسیم نمونه‌ای از دخالت آمریکا و دشمنی این کشور با جمهوری اسلامی است. کرمیت روزولت از مقامات برجسته سیا که مجری این کودتا بود، چنین اعتراف می‌کند: «کودتای ایران نخستین عملیات مخفی علیه یک دولت خارجی بود که به وسیله سیا در ماه‌های آخر حکومت ترومن تنظیم شده بود»^۳.

۵. نویسندگان در حالی مقصر جنگ تحمیلی را کشور ما معرفی نموده که نگاهی به اسناد منتشر شده در مورد تجاوز عراق پیش از آغاز جنگ^۴ به خوبی بیانگر تلاش صدام و رژیم بعث برای آغاز جنگ علیه کشورمان از همان آغاز شکل‌گیری انقلاب با هدایت و حمایت آمریکا است. اهمیت مقابله با انقلاب اسلامی، آمریکا را مجاب نمود که به هر قیمت ممکن باید جلوی انقلاب اسلامی

۳. مدنی، سید جلال‌الدین، تاریخ سیاسی معاصر ایران، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۵۱۵.

۴. سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران؛ آرشیو ملی ایران، سندنامه ۲؛

را بگیرد و رژیم بعث و صدام و روحیات و ویژگی‌های شخصیتی او بهترین گزینه برای پیشبرد این هدف بود. از این رو شاهد تحرکات آمریکا پیش از آغاز جنگ هستیم. در این راستا برژینسکی مشاور امنیت ملی آمریکا، برای آماده‌سازی عراق برای شروع جنگ سفرهای محرمانه متعددی به بغداد کرد که مجله ژورنال استریت مورخ ۸ فوریه ۱۹۸۰ یکی از این سفرهای محرمانه را فاش ساخت. علاوه بر این، مطبوعات اروپایی نیز در همان زمان از ملاقات‌های متعدد برژینسکی با صدام خبر دادند.^۵ روزنامه «نیویورک تایمز» در اردیبهشت ۱۳۵۹، ضمن تحلیل طرح‌های آمریکا پیرامون ایران، گمانه حمله عراق به ایران را مطرح کرده بود.^۶

سخنان طارق عزیز، وزیر خارجه وقت عراق، از طراحی‌ها و اقدامات گسترده آمریکایی‌ها پرده برمی‌دارد.^۷

۶. معارضه آمریکا و ایران ابداً به پیروزی پیروزی انقلاب اسلامی و تسخیر لانه جاسوسی ندارد، معارضه آمریکا با ملت ایران به خوی استکباری و خود برتری‌گری غربی - آمریکایی بر می‌گردد. به آن زمان‌هایی که مستشاران آمریکایی بر همه مقدرات این کشور و ملت سوار بودند و بدترین تحقیرها را علیه ملت ایران اعمال می‌کردند، به زمانی که از بیت المال این ملت علاوه بر حقوق‌های کلان، سهم حق توحش می‌گرفتند، به زمانی که با فشار

۵. واعظی، حسن، ایران و آمریکا، تهران: سروش، ۱۳۷۹، ص ۱۰۸.

۶. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: سمت، ۱۳۸۹، ص ۳۳۵.

۷. روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۹/۱۷ مجله فیگارو به نقل از طارق عزیز وزیر امور خارجه وقت عراق در این باره چنین گزارش داد: «جریان جنگ ایران و عراق در واقع از ژوئن گذشته (تیرماه ۱۳۵۹) زمانی آغاز شد که برژینسکی به اردن سفر کرد و در مرز دو کشور اردن و عراق با شخص صدام ملاقات کرد و قول داد که از صدام حسین کاملاً حمایت نماید و این امر را تفهیم کرد که آمریکا با آرزوی عراق در مورد شط العرب و احتمالاً برقراری یک جمهوری عربستان در این منطقه مخالفت نخواهد کرد و بالاخره کلیه این اقدامات به کشاندن عراق به جنگ علیه ایران منجر شد و پیش بینی‌ها چنین بود که اگر بغداد پیروز بشود، ایران بی ثبات می‌شود و رژیم جمهوری اسلامی از میان می‌رود و یک دولت طرفدار غرب به جای آن به قدرت می‌رسد و در صورتی که عراق با شکست مواجه گردد، آمریکایی می‌تواند خود را به عنوان حامی و مدافع ایران قلمداد نماید.»

بر سیاسیون کشور، قانون کاپیتالاسیون را تصویب کردند^۸، به کودتای ۲۸ مرداد و صدها جنایتی که علیه ملت ایران و منافع ملی ما مرتکب شدند!

۷. برخی از افرادی که توان تحلیل مسائل را ندارند، با برساختن اصطلاح "باندهای فاسد امنیتی" همه مشکلات و مسائل را به این باندها ارجاع می‌دهند، تا اولاً خود را افراد بسیار مطلع از پشت پرده مسائل کشور معرفی کنند و ثانیاً مخاطب آنان، که از این همه نفوذ و اطلاع از مسائل، متعجب شده از آنان درباره مبانی و دلائل تحلیل‌های صد من یک قاز آنان سؤال نکند! شکی نیست که در همه سیستم‌های سیاسی دنیا برخی از افراد بانفوذ و منحرف، وجود دارند که برای رسیدن به برخی از منافع سیاسی و اقتصادی، فعالیت‌های مخربی دارند، اما اینکه باندهایی وجود داشته باشند که بر همه مقدرات کشور تسلط داشته باشند و تمام امور کلان کشور را در جهت منافع خودشان منحرف کنند، معنایش این است که کل سیستم سیاسی فاسد است و همه مدیران کشور دست‌نشانده آن باند یا باندهای امنیتی هستند!

از این نویسنده و امثال او می‌پرسیم مقصود شما از باندهای فاسد امنیتی چه کسانی هستند؟ آیا این باندها در درون سیستم جمهوری اسلامی هستند یا بیرون از سیستم؟ آیا این باندها بر همه مدیران کشور حتی رهبری هم نفوذ دارند و همه را به جهت‌هایی که خودشان می‌خواهند، سوق می‌دهند؟ این باندها دقیقاً چه منفعی دارند؟ این باندها از چه زمانی پیدا شدند، که حتی امام خمینی را هم مدیریت می‌کرده‌اند؟ این باندها...

۸. نویسنده و همفکران وی باید به این پرسش پاسخ

۸. بیل، جیمز، عقاب و شیر، تراژدی روابط ایران و آمریکا، ترجمه مهوش غلامی، تهران: کوبه، ۱۳۷۱، ص ۲۵۸. کویلر یانگ استاد دانشگاه پرینستون آمریکا معتقد است: «کاپیتولاسیون اشتباه فجیعی برای منافع آمریکا در ایران بود و این قانون سنگین به عنوان نشانه فاحش امپریالیسم تفسیر می‌شد، با این همه ما برای اجرای آن پافشاری کردیم».

دهند که دقیقا کدام کشورها تاکنون با آمریکا روابط عادلانه، محترمانه و عزتمندانه داشته‌اند و از آن روابط سود برده‌اند. ما چنین کشوری را سراغ نداریم. آمریکائی‌ها خوی استکباری دارند و دیگر ملت‌ها را برده و مطیع خود می‌دانند و می‌خواهند. چنین دولتی با چنان روحیه و منشی چگونه می‌تواند جمهوری اسلامی و کشور مقتدر ایران را تحمل کند. تقریبا همه کشورهای که با آمریکا در ارتباط هستند تا جایی که مطیع آمریکا باشند و در جهت منافع آن حرکت کنند، تا حدی از تیرس گزند آمریکا در امان‌اند (نه اینکه آمریکا به آنان سودی می‌رساند) اما اگر بخواهند به صورت مستقل عمل کنند، گرفتار خشم و بدعهدی آمریکا می‌شوند. تنها راه ایجاد ارتباط عادلانه با آمریکا این است که کشوری قوی بوده و بتوانیم در مسائل جهانی و بین‌المللی مؤثر باشیم و آمریکا ناگزیر از ارتباط با ما باشد.

۹. از نویسنده و امثال او می‌پرسیم که مقصود شما از معارضة با آمریکا چیست؟ دقیقا جمهوری اسلامی باید چگونه عمل می‌کرده تا معارضة با آمریکا صورت نگیرد؟ آیا باید دست از اسلام و بر می‌داشت و از استقلال و عزت خود چشم‌پوشی می‌کرد؟ آیا باید رژیم کودک‌کش اسرائیل را به رسمیت می‌شناخته و مثل باقی کشورهای مفلوک عربی و اسلامی در برابر جنایات بی‌حد و حساب آنان علیه مردم مظلوم فلسطین خود را به ندیدن و ندانستن می‌زده است؟ آیا باید در برابر جنایات آمریکا در کشورهای مختلف جهان خصوصا منطقه غرب آسیا، همراهی یا سکوت می‌کرده است؟ آیا ... دقیقا روشن کنید که چه کاری باید صورت می‌گرفته تا کدخدای خودخوانده جهان از ایران راضی شود و کاری به کار ما نداشته باشد؟! مگر دولت روحانی در ماجرای برجام دقیقا طبق خواسته آمریکا عمل نکرد؟! پس چرا آمریکا حتی ۱۰ درصد هم از ما راضی نشد؟! راستی امثال آقای هاشمی چه قدم‌هایی بیش از دولت روحانی در اظهار ارادت به آمریکا و اروپا

قرار بود بردارد که تلاش‌هایش بی‌ثمر ماند! ایده آقای هاشمی در رفع معارضه با آمریکا دقیقا چه بود؟ ظاهرا همان ایده "دنیای فردا دنیای گفتمان‌ها است، نه دنیای موشک‌ها". لطفا درباره این امور روشنگری کنید!

۱۰. همه افرادی که به دنبال حل معارضه آمریکا و ایران بوده و تصور می‌کنند، می‌توان با کوتاه‌آمدن از برخی مسائل، به پایان معارضه دو کشور خوشبین بود، نه ماهیت جمهوری اسلامی را شناخته‌اند و نه درکی از ریشه دشمنی آمریکا با آن دارند. واقعیت آن است که دشمنی آمریکا با جمهوری اسلامی ریشه در ماهیت اسلامی، استکبارستیزانه و استقلال‌طلبانه آن دارد و این گونه نیست که با عقب‌نشینی و دست برداشتن از یک مسأله، دشمنی آنان با نظام تمام شود. حضرت امام فرمودند: «نکته مهمی که همه باید به آن توجه کنیم و آن را اصل و اساس سیاست خود با بیگانگان قرار دهیم این است که دشمنان ما و جهانخواران تا کی و کجا ما را تحمل می‌کنند و تا چه مرزی استقلال و آزادی ما را قبول دارند؟ به یقین آنان مرزی جز عدول از همه هویت‌ها و ارزش‌های معنوی و الهی‌مان نمی‌شناسند. به گفته قرآن کریم هرگز دست از مقاتله و ستیز با شما بر نمی‌دارند مگر این که شما را از دین‌تان برگردانند ... آری اگر ملت ایران از همه اصول و موازین اسلامی و انقلابی خود عدول کند و خانه عزت و اعتبار پیامبر و ائمه معصومین علیهم السلام را با دست‌های خود ویران نماید، آن وقت ممکن است جهانخواران او را به عنوان یک ملت ضعیف و فقیر و بی‌فرهنگ به رسمیت بشناسند؛ ولی در همان حدی که آن‌ها آقا باشند ما نوکر، آن‌ها ابر قدرت باشند و ما ضعیف، آن‌ها ولی و قیّم باشند و ما جیره خوار و حافظ منافع آن‌ها، نه یک ایران با هویت ایران اسلامی!»

مقام معظم رهبری در این باره فرمودند: « شنیدم در گوشه و کنار بعضی از افراد بهانه‌گیر، بیخودی می‌گویند که چرا باید جمهوری اسلامی کاری کند که به او حمله

کنند! ما واقعاً کاری نکرده بودیم. گناه کبیره ما (!) این بود که رژیم استبدادی سلطنت را سرنگون کرده بودیم، بعد هم نخواستیم وابسته شویم... بنابراین ما گناهی نکرده بودیم که بگوییم به خاطر گناه ما بود که عراق به ما حمله کرد؛ بلکه به خاطر اینکه یک حکومت اسلامی بود، یک حکومت مستقل بود و موج بیداری در دنیای اسلام پیچید - در خود عراق؛ در کشورهای عربی، در کشورهای اسلامی - همه این‌ها احساس کردند که وقتی بیداری اسلامی آمد، ممکن است دامن آن‌ها را هم بگیرد؛ لذا متحد شدند.»

منابع جهت مطالعه:

- منوچهر محمدی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی، تهران: انتشارات وزارت خارجه جمهوری اسلامی
- منصور حاتمی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از نگاه مقام معظم رهبری، نشریه حصون، شماره ۱۰، ۱۳۸۵
- زاهد غفاری هاشچین، جایگاه اصل «دشمنی با ظالم و حمایت از مظلوم» در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، بازخوانی آثار علمی و فرهنگی انقلاب اسلامی ایران» مجموعه مقالات نخستین همایش بین‌المللی بازخوانی آثار علمی و فرهنگی انقلاب اسلامی ایران (۲۵ صفحه - از ۶۱۲۶ تا ۶۱۵۰)
- رحمت حاجی مینه، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و آمریکا در قبال بحران سوریه، نشریه مطالعات منافع ملی، شماره ۶۵، ۱۳۹۵
- افسانه احدی، نگاه آمریکایی به مناسبات ایران و آمریکا، راهبرد، شماره ۴۷، ۱۳۸۷.

■ ایده‌هایی برای مقابله:

بالابردن بینش سیاسی مردم، خصوصاً جوانان، درباره مسائل سیاسی داخلی و خارجی؛ معرفی آثار تحقیقی تاریخی درباره دکترین و راهبردهای سیاسی امامان شیعه علیهم السلام؛ تهیه و انتشار مستند،

سریال، فیلم سینمایی درباره دستاوردهای انقلاب اسلامی در ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و دینی در سطح داخلی و بین‌المللی؛ ارتقای سطح آگاهی و تحلیل علمی و عقلی مردم، خصوصاً نسل جوان درباره زمینه‌ها و عوامل مشکلات کشور، از طریق آثار علمی و هنری؛ حمایت از طرح‌های پژوهشی در موضوع دستاوردهای انقلاب و نظام اسلامی با هدف اطلاع‌رسانی، آسیب‌شناسی و کمک به پیشرفت کشور.

انقلاب اسلامی و عقب ماندگی‌های ناتمام

موضوع عام: انقلاب اسلامی

موضوع خاص: تمدن اسلامی

نام شبهه‌کننده: مجهول

منبع انتشار شبهه: شبهات رسیده به مرکز

هدف‌های احتمالی: نفی دستاوردهای تمدنی

انقلاب اسلامی، کوچک‌نمایی آثار انقلاب اسلامی.

نمایه‌ها: انقلاب اسلامی، تمدن اسلامی،

عقب‌ماندگی، احیاء تفکر دینی.

شناسه شبهه

متن شبهه

انقلاب اسلامی نتوانسته است در ایجاد تحول فراگیر جامعه ایرانی نقش مهمی ایفا کند. نه تنها بسیاری از عقب‌ماندگی‌ها رفع نشده بلکه در برخی از موارد هم عقب‌ماندگی‌ها تشدید شده است. مثلاً در امور اقتصادی شرایط بدتری نسبت به پیش از انقلاب اسلامی داریم. همچنین در تعامل با دنیا و فرهنگ‌های دیگر بیش از هرچیز تأثیرپذیری و معارضة وجود دارد، تا تعامل سازند و رشد و شکوفایی فرهنگی!

پیشنهادها

■ پاسخ اجمالی:

۱. پیش از بررسی نقش انقلاب اسلامی در احیاء تفکر دینی و نقش‌آفرینی در بازتولید تمدن اسلامی و نجات آن از انحطاط و نگون‌سازی، مرور اجمالی تاریخ معاصر از این زاویه خالی از فایده نیست. در دو قرن گذشته با توسعه قدرت اقتصادی و صنعتی اروپا و گسترش مرزهای دولت‌های اروپایی از طریق تهاجم به سمت شرق،

مرزهای جهان اسلام مورد تاخت و تاز غربیان قرار گرفت. به دنبال این وضعیت تلخ، بخش‌های وسیعی از جهان اسلام در اروپای مرکزی از دست رفت و بخش‌های مهمی در آفریقا و آسیای زیر چکمه‌های استعمار مستقیم و یا غیرمستقیم قرار گرفت.

دست‌اندازی اروپائیان به کشورهای اسلامی جنبه‌های مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی را در برمی‌گرفت. پیامدهای فرهنگ مبتذل و انحطاطی غرب، گاهی به صورت آگاهانه و با طرح‌هایی از پیش اندیشیده شده به کشورهای اسلامی صادر می‌شد و گاهی در قالب اندیشه‌های متضاد با فرهنگ و آموزه‌های دینی توسط شبه روشنفکران شرقی به کشورهای اسلامی منتقل می‌گشت. این وضعیت بستر مناسبی برای انحطاط فرهنگ اسلامی و تضعیف و عقب‌ماندگی بیش از پیش مسلمانان ایجاد کرد. در این میان برخی از مصلحان و احیاگران مسلمان با درک و بینشی آگاهانه، عامل عقب‌ماندگی و انحطاط تمدن اسلامی و مسلمانان را در پذیرش سلطه استعماری و روی‌گردانی از تمدن اصیل دینی، یعنی تمدن مبتنی بر قرآن کریم جستجو می‌کردند.

انقلاب اسلامی ایران به رهبری بزرگترین مصلح و احیاگر دینی معاصر با اتکاء به مبانی و آموزه‌های غنی اسلامی موفق شد، تمدن اسلامی را که بر اثر دشمنی‌ها، غفلت‌ها و جهالت‌ها در سراشی بی سقوط قرار گرفته بود، نجات بخشیده و عزت و افتخار بزرگی برای اسلام و مسلمانان به ارمغان آورد.

۲. بدون تردید یکی از علل عقب‌ماندگی جهان اسلام را باید در دوری از اسلام اصیل و تحریف معارف و آموزه‌های آن جستجو کرد. تأکیدهای پرشمار حضرت امام (ره) بر خطر و آسیب قرائت‌های نادرست از اسلام و اصرار ایشان در بکارگیری اصطلاحاتی چون اسلام آمریکایی، اسلام شاهنشاهی، اسلام مقدس نماهای متحجر و اسلام سرمایه‌داران و مرفهین بی‌درد، در برابر اسلام

اصیل مستضعفان و محرومان و اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله^۱ از این واقعیت حکایت می‌کند که تمدن اسلامی در دوره‌های معاصر و پیش از آن به تحریف‌ها و سوء برداشت‌های خطرناک و آسیب‌زایی گرفتار شده بود. ادامه آن گرفتاری، دوری و بیگانگی هرچه بیش‌تر جوامع اسلامی از اسلام اصیل را در پی داشت و می‌توانست عواقب جبران‌ناپذیری را رقم زند. امام خمینی علل عقب‌ماندگی جوامع اسلامی را در از دست‌دادن روحیه‌های اصیل دینی همچون روحیه شهادت‌طلبی و ظلم‌ستیزی جستجو می‌کردند.^۲ بدیهی است که انقلاب اسلامی با پشتوانه نیرومند اسلامی و برخورداری رهبری و مردم انقلابی از روحیه شهادت‌طلبی، ایستادگی در برابر ظلم و نجات از سلطه استعماری ظالمان و دست‌نشانندگان آنان، موفق شد تا تأثیرات عمیقی در بیداری مسلمانان تحت سلطه جهان‌خواران ایجاد کند و نقش دین در رهایی توده‌های اجتماعی از انحطاط و پیشبرد اهداف معنوی، اخلاقی و مادی بشر را برجسته سازد. جایگاه و نقش دین در روابط اجتماعی تا پیش از انقلاب اسلامی، به گونه‌ای بود که حتی در میان متفکران و نظریه‌پردازان غربی یک اتفاق نظر عمومی مبنی بر تصور امحای مطلق و تدریجی دین از سراسر جهان را به وجود آورده بود!

ظهور انقلاب اسلامی در ایران نه تنها سد بزرگی در برابر روند خطرناک دین‌زدایی در جهان ایجاد کرد، بلکه بر تقویت جایگاه ادیان جهانی دیگر نیز تأثیر گذار بود. انقلاب اسلامی با به چالش خواندن تئوری‌های موجود فلسفی و اجتماعی، بر اهمیت نقش اخلاق و معنویت در زندگی اجتماعی انسان تأکید ورزید. تا پیش از انقلاب اسلامی، فرهنگ وارداتی حاکم بر جامعه ایرانی وضعیت را به گونه‌ای ساخته بود که مردم احساس می‌کردند، چنانچه خود را با یک نظام ارزشی آن فرهنگ وارداتی تطبیق ندهند،

۱. ر. ک: اسلام ناب در کلام و پیام امام خمینی (ره)، تبیان پنجم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، ۱۳۷۴، ص ۳۸ به بعد.

۲. صحیفه نور، ج ۸، صص ۹۴-۹۵.

در جامعه مورد تمسخر و استهزاء قرار خواهند گرفت. نوع پوشش، طرز گفتار، وضع ظاهری، حرکات و رفتارهای اجتماعی، تحت تأثیر نوعی نظام ارزشی غربی بود و دائماً از سوی رژیم پهلوی تبلیغ و تحمیل می‌شد و کسانی که با آن فرهنگ و نظام ارزشی موافق نبودند، عقب‌مانده، مرتجع و غیرعادی تلقی می‌شدند. فرهنگ و آموزه‌های دینی تا حدی مورد بی‌مهری قرار گرفته بود که اگر کسی در دانشگاه‌ها، مجامع عمومی، ادارات و محافل مختلف به ارزش‌ها و الگوهای رفتاری اسلامی تظاهر می‌کرد، بی‌فرهنگ و متحجر خطاب می‌شد. هرچند بسیاری از مردم پایبند به اعتقادات اسلامی و مذهبی خود بودند، اما معمولاً جرأت اظهار آن را نداشتند. تظاهر به جلوه‌های دینی در سطح جامعه چندان رونقی نداشت و مردم نیز از قدرت عظیم فرهنگ دینی غافل بودند.

۳. یکی از ویژگی‌های مهم بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، شناخت قدرت عظیم فرهنگ اسلامی و استفاده بهینه از آن بود. فراموش نمی‌کنیم که در طی راهپیمایی‌های بزرگ سال‌های نخست انقلاب، مردم بر اثر ظهور و تجلی فرهنگ دینی، هنگام برپایی نمازهای جماعت بر سر چهارراه‌ها و خیابان‌ها از چه شور و شعفی سرشار می‌شدند. این شادی‌ها بیش از هرچیز به خاطر وحدت‌یافتن شخصیت فرد و جامعه مسلمان ایرانی بود. مردم با تمام وجود احساس می‌کردند که آن شکستگی فرهنگی در رژیم پهلوی را پشت سر گذاشته و به فضای جدیدی قدم نهاده‌اند. از این رو با افتخار و گردن‌فرازی به نشان‌دادن تجلیات دینی و فرهنگی مبادرت ورزیدند. تغییر لباس‌ها، قیافه‌ها و رفتارها و حتی واژه‌هایی که مردم در تعاملات روزه مره به کار می‌بردند، به علت همین اتفاق عظیم درونی و عزت‌ایمانی بود؛ اتفاقی که آن را انقلاب اسلامی به مسلمان و غیرمسلمان ایرانی بخشیده بود.

۴. نقش انقلاب اسلامی در گشودن راه‌هایی از حقارت تاریخی و درمان عقب‌ماندگی در سطوح مختلف

اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، با وجود تمام مشکلات فراروی انقلاب، واقعیت انکارناپذیری است که کتاب‌ها و مقالات بسیاری درباره آن سخن‌ها گفته‌اند.^۳ در ادامه به بخش‌هایی از دستاوردهای انقلاب اسلامی در جهات مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی در دو بعد داخلی و خارجی، بستر درمان عقب‌ماندگی تاریخی کشور را فراهم کرد، اشاره می‌شود:

۴.۱.۱. ابعاد داخلی

۴.۱.۱. فرهنگی

بدون تردید انقلاب اسلامی در درجه اول يك انقلاب فرهنگی بود که در مقابل فرهنگ منحط غرب ایستاد و چهره نازیباي فرهنگ وارداتی غربی را که جز استثمار و عقب‌ماندگی جهان اسلام نتیجه‌ای نداشت، آشکار ساخت. عمومی‌شدن آموزش در سطح جامعه و ارتقای سطح علمی دانش‌آموختگان در کشور، تنها بخشی از دستاوردهای انقلاب در بخش فرهنگی است. در این باره تنها کافی است که به آمارهای بی‌سوادی در پیش و پس از پیروزی انقلاب اسلامی توجه کنیم.^۴

۱.۱.۲. سیاسی

مهم‌ترین شاخصه نقش سیاسی انقلاب اسلامی در رهایی کشور از عقب‌ماندگی، سرنگونی حکومت استبدادی شاهنشاهی و برقراری نظام مردمی جمهوری اسلامی و رهایی ملت ایران از سلطه استعماری بیگانگان و کسب استقلال سیاسی است.^۵

۱.۱.۳. اقتصادی

اضمحلال اقتصادی کشور در نظام سرمایه‌داری جهانی

۳. برای مطالعه بیشتر در این زمینه به عنوان نمونه می‌توان به منابع زیر مراجعه کرد:

- هاشمی رفسنجانی، دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران، تهران: انتشارات فرهنگ انقلاب اسلامی، ۱۳۶۲.

- ره‌آورد انقلاب، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴.

- شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، ره‌توشه انقلاب، نشر هماهنگ، ۱۳۷۷.

۴. جمعی از نویسندگان، انقلاب اسلامی و چرایی و چگونگی رخداد آن، معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی، ۱۳۷۷، ص ۲۰۷.

۵. ر. ک: قانون اساسی، اصل ۵۲.

تك محصولی بودن و وابستگی گسترده و انحصاری به نفت، واردات مواد غذایی و کالاهای مصرفی، صنایع مونتاژ و وابسته، شکاف شدید طبقاتی و بی‌توجهی به تهیه زیرساخت‌های اقتصادی، بخشی از ویژگی‌های اقتصاد ایران در رژیم پهلوی به شمار می‌آید. پس از پیروزی انقلاب با وجود تحمیل جنگ هشت ساله و آسیب دیدن زیرساخت‌های کشور و افزایش جمعیت، گام‌های بزرگی در راه دستیابی به اهداف اقتصادی مطلوب برداشته شد. ایجاد سدها و مهار آب‌ها، گسترش صنایع مادر، حرکت در جهت خودکفایی در محصولات کشاورزی و کالاهای ضروری، صنایع دفاعی و نیز تعدیل ثروت و خروج از اقتصاد تک محصولی نمونه‌هایی از اقدامات نظام اسلامی در رفع عقب ماندگی کشور است.

۱.۱.۴. نظامی

پیشرفت‌های کشور در ساخت، بهینه‌سازی و استفاده از صنایع نظامی و دفاعی یکی از تجلیات پرافتخار انقلاب اسلامی است که علاوه بر تأمین امنیت، موجب تقویت بنیان‌های اقتصادی کشور شده است.

۱.۱.۲. ابعاد خارجی

۱.۲.۱. جهان اسلام

تجدید حیات اسلام به عنوان يك نظام سیاسي ارجح در زمان حاکمیت حکومت‌های لائیک در جهان اسلام^۶، احیاء حج ابراهیمی، ظهور جنبش‌ها، احزاب، اصول‌گرایی اسلامی، انتفاضة مردم فلسطین، جبهه اسلامی سودان، جبهه نجات اسلامی الجزایر، رشد اسلام‌گرایی در ترکیه و غیره بخشی از برکات معنوی انقلاب اسلامی به شمار می‌آید^۷.

۶. هفته‌نامه اشپیگل در آستانه پانزدهمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ضمن اذعان به تجدید حیات مسلمانان جهان تحت تأثیر انقلاب اسلامی می‌نویسد: «اسلام مبارزترین مذهب دنیا با انرژی برخاسته از انقلاب اسلامی ۱/۲ میلیارد مسلمان را برانگیخته و آنان را برای تشکیل حکومت الله در زمین به حرکت درآورده است.»

۷. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۴ مرداد ۱۳۷۱. نلسون ماندلا رهبر کنگره ملی آفریقا و اولین رئیس جمهور مردمی آفریقای جنوبی آزاد شده از سلطه سفید پوستان نژادپرست، در خصوص تأثیر انقلاب اسلامی بر مبارزات مردمی در

۱،۲،۲. جهان غیراسلامی

به طور کلی می‌توان گفت انقلاب اسلامی از یک سو سبب رویکرد انسان‌ها و جوامع انسانی به دین، معنویت و تضعیف اندیشه‌های مادی‌گرایانه شد و از سوی دیگر الگوی مبارزات مردم تحت ستم در نقاط مختلف جهان گردید. سردبیر پرتیراژترین روزنامه هندی زبان «نای دنیا» می‌نویسد: «انقلاب اسلامی ایران به ملت‌های دربند جهان آموخته است که چگونه خود را از زیر سلطه و نفوذ بیگانگان نجات دهند.»^۸ یک روزنامه نگار سوئیسی می‌نویسد: «به دنبال انقلاب اسلامی و شعار «جمهوری اسلامی» در مورد دفاع از مستضعفین، آمریکایی‌ها لاتین شاهد ده‌ها کشیش بود که با انتقاد از پاپ خواستار تجدید نظر در آئین کلیسای کاتولیک شدند. اوج چنین روندی در احیای مسیحیت سیاسی در نیکاراگوئه خود را نشان داد. چند سال پس از انقلاب اسلامی صدها کتاب در مورد نقش مذهب در صحنه سیاست و اجتماع به بازارهای جهان آمد و بسیاری از دانشگاه‌ها به تحقیق درباره مذهب پرداختند.»^۹

۱،۲،۳. چشم‌انداز آینده

دنیا می‌تواند پس از تجربه دو دوره قرون وسطی و عصر جدید، هم اکنون در سال‌های آغازین هزاره سوم قرار دارد. ظهور انقلاب اسلامی ایران در سال‌های پایانی هزاره دوم با برهم زدن بسیاری از معادلات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جهان مدرن، پرچم‌دار حرکتی گردید که تحولات گسترده آینده را رهبری می‌کند. گستره این تحولات به حدی است که بسیاری از نظریه‌پردازان متأثر از انقلاب اسلامی با تجدیدنظر در معادلات فکری پیشین خود، قرن آینده را قرن توسعه دین و معنویت نام نهاده‌اند. به گفته «آندره مالرو» «قرن آینده یا نخواهد بود و یا مذهبی

آفرینا می‌گوید: «انقلاب اسلامی ایران تحت رهبری امام خمینی، امیدهای فراوانی را برای قیام مردم آفریقایی جنوبی در مبارزه با بی‌عدالتی‌ها به همراه داشته است و بدون تردید تاریخ هرگز نقش ایران اسلامی را فراموش نخواهد کرد.»

۸. ر. ک: روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۷ خرداد ۱۳۶۹.

۹. همان.

خواهد بود.^{۱۰}

۵. ادعای بدتر شدن شرایط اقتصادی کشور نسبت به پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، در حالی مطرح می‌شود که وضعیت کشور در همه شاخص‌های توسعه، قابل مقایسه با قبل از پیروزی انقلاب نیست. قبل از پیروزی انقلاب، مردم از اولیات زندگی همچون آب آشامیدنی سالم، برق، بهداشت، آموزش و... محروم بودند و در عرصه خدمات عمومی و محرومیت‌زدایی و دسترسی به امکانات و توسعه زیرساخت‌های مختلف و حوزه‌های مختلف علمی تحولی بزرگ ایجاد شده است.^{۱۱}

۶. امروز جمهوری اسلامی در عرصه بین‌المللی و منطقه‌ای به عنوان کشوری تأثیرگذار و مستقل شناخته می‌شود که نقش غیر قابل انکاری در تحولات منطقه‌ای و جهانی دارد و با کشورهای مختلف روابط و همکاری دوجانبه می‌کند. اگر معارضه‌ای میان جمهوری اسلامی با دیگران وجود دارد، تنها با نظام سلطه و زیاده‌خواهی، هژمونی‌طلبی و یکجانبه‌گرایی آمریکا و موجودیت رژیم غاصب صهیونیستی است.

۷. هر چند فرهنگ اسلامی ایرانی از تأثیرات تهاجم فرهنگی و جنگ نرم فرهنگ سکولار غربی در امان نبوده، اما تأثیرات زیادی در عرصه فرهنگی داشته است. به چالش کشیدن فرهنگ غربی و سکولار که به دنبال حذف دین از عرصه زندگی اجتماعی بود، گسترش گرایش به اسلام در کشورهای غربی با وجود همه تلاش‌ها و پروژه اسلام‌هراسی، گسترش فرهنگ مقاومت همه مرهون انقلاب اسلامی و ایستادگی آن در برابر نظام سلطه جهانی است.

۱۰. نعمت الله باوند، درآمدی بر نظریه انقلاب اسلامی، انتشارات مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۷۸، ص ۸۵.

۱۱. برای آشنایی رک: سید محمدحسین راجی، سید محمد حسین، صعود چهل ساله، مشهد: انتشارات مؤسسه سعادت- اسحاقی، حسین، ارمغان انقلاب: تلخیصی از نود و دو دستاورد انقلاب اسلامی ایران، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما- جمعی از نویسندگان، انقلاب چهل ساله؛ نگاهی به دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران، قم: بوستان کتاب- دستاوردهای علمی انقلاب اسلامی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

■ منابع جهت مطالعه:

- همایش نقش حکمت در انقلاب اسلامی ایران، دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران، مجموعه مقالات همایش نقش حکمت در انقلاب اسلامی ایران
- منصور واعظی، دستاوردهای انقلاب اسلامی (چهل سالگی)، تهران: انتشارات سروش
- ساره جمالی زواره، دستاوردهای سیاسی انقلاب اسلامی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- امیرسیاه پوش، نتایج و دستاوردهای انقلاب اسلامی در منظر آیت‌الله خامنه‌ای، مجله مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۵۵، ۱۳۹۵
- علی محسنی مشتقین، دستاوردهای انقلاب اسلامی و مقایسه آن با زمان پهلوی با استفاده از روش تحلیل یکی از اندیشمندان، تحقیقات جدید در علوم اسلامی، شماره ۳۲، ۱۳۹۹
- حمیدرضا مظاهری سیف، دستاوردهای انقلاب اسلامی در حوزه اندیشه، نشریه رواق اندیشه، شماره ۳۶، ۱۳۸۲
- رشید رکابیان، دستاوردهای آموزشی و علمی چهل ساله انقلاب اسلامی، مجله مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۵۵، ۱۳۹۷
- شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، ره توشه انقلاب، نشرهماهنگ، ۱۳۷۷
- نعمت اله باوند، درآمدی بر نظریه انقلاب اسلامی، انتشارات مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر
- سید محمدحسین راجی، صعود چهل ساله، مشهد: انتشارات مؤسسه سعدا.

■ ایده‌هایی برای مقابله:

بالا بردن بینش سیاسی مردم، خصوصا جوانان، درباره مسائل سیاسی داخلی و خارجی؛ معرفی آثار تحقیقی تاریخی درباره دکتترین و راهبردهای سیاسی امامان شیعه علیهم السلام؛ تهیه و انتشار مستند، سریال، فیلم سینمایی درباره دستاوردهای انقلاب اسلامی در ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی

و دینی در سطح داخلی و بین‌المللی؛ ارتقای سطح آگاهی و تحلیل علمی و عقلی مردم، خصوصاً نسل جوان درباره زمینه‌ها و عوامل تاریخی، جامعه‌شناختی، سیاسی و فرهنگی مشکلات کشور، از طریق آثار علمی و هنری؛ حمایت از طرح‌های پژوهشی در موضوع دستاوردهای انقلاب و نظام اسلامی با هدف اطلاع‌رسانی، آسیب‌شناسی و کمک به پیشرفت کشور.

انقلاب ۵۷ و تبدیل مسائل فقهی به مسئله اجتماعی

موضوع عام: انقلاب اسلامی

موضوع خاص: آثار و پیامدها

نام شبهه‌کننده: علی‌زمانیان

منبع انتشار شبهه: خبر آنلاین:

khaboronline.ir

هدف‌های احتمالی: تضعیف مبانی حکومت

دینی، متهم‌ساختن فقه اجتماعی به ایجاد

گسست در جامعه، ایجاد بدبینی نسبت به فقه

و حکومت اسلامی.

نمایه‌ها: فقه، حکومت دینی، جامعه، روابط

اجتماعی، پیامدهای اجتماعی فقه سیاسی.

شناسه شبهه

متن شبهه

تا پیش از این‌که فقه، بر مصدر قدرت تکیه بزند، عموم متدبّیان و معتقدان، دستورات و احکام فقه را به منزله تکلیف الهی قلمداد می‌کردند. آن‌ها به اختیار و انتخاب، از آن پیروی می‌کردند و یا بی‌آنکه احکام و فرامین دینی را نظراً رد و طرد کنند، گاهی در عمل، به آن پایبند نبودند. شهروندان، برای زیستن‌شان، احساس نمی‌کردند که باید با احکام دینی به نحو جدی مواجه شوند و با آن کلنجار بروند و یا تسویه حساب کنند. این صلح، با در آمدن "دین سیاسی" و "دین انقلابی"، زایل شد.

پیروزی انقلاب ۵۷ و تسلط دین سیاسی و ایدئولوژیک، احکام فقهی، لباس قدرت، قانون و اجبار حکومتی پوشید. از این زمان بود که عمل به احکام دینی، نه از سر انتخاب و اراده‌ی آزاد، که اجبار قانونی و الزام حکومتی محسوب گردید. چنین شد که در بیش از چهار دهه پس از انقلاب، نحوه مواجهه جامعه با دین، دچار دگرگونی شد و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز تاریخی میان ساکنان

تاریخ و دین، از میان رفت و به تدریج رویه و سویه‌ی نزاع و پیکار آشکار گردید.

سنگین شدن وزن دین، و بروز و ظهورات اجتماعی‌اش، به یک نتیجه قابل پیش‌بینی منتج گردید؛ و آن، تبدیل شدن مسائل و مباحث نظری دین و احکام فقهی، به مسئله‌ای اجتماعی بود. وقتی از "مسئله اجتماعی"، سخن به میان می‌آید، منظور آن است که چیزی توجه آحاد مردم را به خود فراخوانده است. مشکلی که باید مورد تأمل و توجه قرار گیرد و حل و فصل شود.

تا پیش از انقلاب، گفت‌وگو در باره بسیاری از مباحث و مسائل دینی، در میان اندیشمندان و متفکران رواج داشت. فقه، مسئله‌ای بود که فقها در دروس خود و عمدتاً در حوزه‌های علمیه، به آن می‌پرداختند. جدال‌های نظری و اختلاف در آراء فقهی نیز در این محیط‌ها مرسوم و شایع بود. اما این اختلافات چندان با زندگی واقعا موجود در جامعه نسبت پیدا نمی‌کرد. انقلاب که پیروز شد، اختلاف آراء و نظرات فقهی و مسائل و مباحث دینی، از حوزه‌ها و مراکز نظری، بیرون آمد و به سطح جامعه سرریز کرد و همه طبقات را درگیر نمود.

با جریان یافتن گفتگو در باب مسائل دینی و فقهی به بدنه اجتماع، دو اشکال اساسی رخ داد:

الف) پرداختن به مباحث نظری دینی، که روزگاری در میان جمع محدود و مرتبط با این حوزه‌ها در جریان بود، جامعه را دربرگرفت. پس از آن، همگان، بی آنکه تخصص لازم و توانایی نظری کافی داشته باشند به اظهار نظر در این باره پرداختند؛ و نیز، انبوهی از گفت‌وگوها در نشست‌ها و جمع‌های خانوادگی و دوستی، به این موضوع اختصاص داده شد. اشتغال عمومی به این موضوعات، به تدریج سبب اختلافات خانوادگی و نزاع‌های اجتماعی گردید. چنین وضعیتی از آن رو ایجاد شد که فقه، مسیر زندگی و جامعه را گرفت و می‌خواست همگان، آن چنان زندگی کنند که در کتب

فقهی آمده است.

هرگاه توجه ساکنان جامعه به دین و سیاست جلب شد و چالش گسترده نظری و عملی در میان طبقات اجتماعی شکل گرفت، باید بدانیم که مذهب و سیاست، دچار کژکارکردی گردیده است.

ب) رویارویی عملی و بعضاً روزانه میان احکام دینی و موضع نظری و زیست عینی شهروندان، موجب چالشی عمیق و عمومی شده است. علاوه بر چالش‌ها و آسیب‌هایی که روابط اجتماعی را دچار آسیب کرد، سرگرم شدن به این دسته از مسائل نظری، توده‌ی مردم را نسبت به مسئله‌های مهم زندگی غافل کرد. علاوه بر این، سبب افتراق، چند دستگی و جدایی اجتماعی گردید. در نتیجه، انسجام اجتماعی سست شد.

در رویارویی عملی با حیات اجتماعی، دین به منزله سرمایه‌ی اجتماعی، کارآمدی خود را از دست داد و مهم‌تر این‌که اخلاق متکی به دین هم سست شد. زیرا آن هنگام که تردید در باب آموزه‌های دینی رواج یابد، اخلاقی که بر دین ابتناء دارد، نیز از دست می‌رود.

معماران انقلاب و انقلابیون، اساساً به این نکته التفات نظری نداشتند که وقتی دین، به پشتوانه قدرت سیاسی ظاهر می‌شود، جامعه را به دوراهی جدی و تصمیم‌ساز می‌رساند. به مرزی که باید تصمیم بگیرد از آن رد شود و یا در محدوده‌ی آن باقی بماند. این دوراهی و این مرز، پدیده جدیدی است که در چهار دهه پس از پیروزی انقلاب رخ داده است. اکنون، ساکنان این دیار، با دین تحکمی و قانونی و یا به عبارتی با "دین حاکم"، روبرو هستند. از این‌رو به نقطه مرزی برای ماندن یا رفتن از حوزه دین رسیده‌اند. موقعیتی که باید با باورهای دینی‌شان تعیین تکلیف نمایند.

■ پاسخ اجمالی:

۱. این ادعا که تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی فقه تنها جنبه فردی داشته و در امور اجتماعی دخالتی نداشته، ادعای غیرواقع بینانه‌ای است. دست کم در ایران از دوران آل بویه به این سو، فقه شیعه جنبه اجتماعی - سیاسی خود را آرام آرام نشان داده و همواره رو به تکامل بوده و در جمهوری اسلامی ایران به اوج شکوفایی نزدیک شده است.

۲. فقه اسلامی، فی نفسه ماهیت فردی - اجتماعی دارد. اساساً بسیاری از احکام فقهی در دل تحولات اجتماعی و سیاسی دوران زمامداری پیامبر در مدینه نازل شده است. بنابر این اگر تا پیش از انقلاب اسلامی، فقه شیعه بیش‌تر بروز و ظهور فردی داشته و مباحث فقهی تنها در درون حلقه‌های علمی طلاب و روحانیان مطرح می‌شده، به دلیل در اختیار نداشتن حکومت و عدم امکان اجرای آن بوده و در حقیقت نوعی انحراف از قاعده به شمار می‌رفته است. فقه، برنامه عملی زندگی فردی و اجتماعی مؤمنان از گهواره تا گور است و با اعماق تار و پود زندگی فردی و اجتماعی آنان ارتباط دارد.

۳. گزاره‌های فقهی، چه فردی و چه اجتماعی، اساساً از جنس گزاره‌های معطوف به قدرت است. به عبارت دیگر هرگزاره فقهی حاوی حکمی الزامی برای تنظیم رفتاری فردی یا اجتماعی و انفرادی و جمعی است. چیزی که ذاتاً از جنس قدرت است را نمی‌توان از دائره قدرت بیرون نهاد. اگر جنبه الزامی برداشته شود، بسیاری از احکام فقهی به گزاره‌هایی بی‌محتوا تبدیل خواهد شد.

۴. مخالفت با احکام فقهی از سوی برخی از دینداران و غیردینداران همواره وجود داشته و امر جدیدی نیست. انسان موجودی مختار و انتخابگر است و در هروضعیت ممکن است تصمیم بگیرد که مطابق یا

غیرمطابق با حکم شرعی عمل کند. به عبارت دیگر، مخالفت یا موافقت با احکام دینی و عصیان و اطاعت، امری است که همواره با انسان‌ها، چه در سطح فردی و چه در سطح اجتماعی و چه در وجه انفرادی و چه در وجه جمعی وجود داشته است. بنابر این کلنجار رفتن برخی از افراد با احکام دینی، منحصر به دوران تشکیل حکومت دینی نیست. برخی از مردم به قوانین و هنجارها تنها از دریچه منافع فردی می‌نگرند و با قانون و هنجارها تا جایی موافق‌اند که به منافع‌شان آسیبی نرساند. بسیاری از مردم ممکن است در برابر فشارها یا وسوسه‌ها تاب‌آوری مطلوبی نداشته و گاهی برخلاف اعتقادات خود رفتار کنند.

۵. پرداختن افراد غیرمتخصص به امور فقهی نیز به دوران جمهوری اسلامی منحصر نیست و ربطی به تشکیل یا عدم تشکیل حکومت دینی ندارد. همیشه و همه جا، برخی از افراد درباره اموری که در آن تخصصی ندارند، اظهار نظر می‌کنند. این الگوی رفتاری، به خودی خود امر نامطلوبی نیست و حتی می‌تواند به تقویت فکری و شناختی افراد یک جامعه کمک کند؛ مگر آنکه فردی نظرات غیرتخصصی خود را مبنای عمل قرار دهد یا از نظرات غیر تخصصی دیگران پیروی کند. اظهار نظر در امور غیرتخصصی محدود به فقه نیست. اکنون شما در هر جمعی قرار بگیرید و یک مسأله پزشکی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و غیره را مطرح کنید، با سیلی از تحلیل‌ها و اظهار نظرهای گوناگون مواجه می‌شوید. یکی از علت‌های رشد اجتماعی و سیاسی ایرانیان نسبت به دیگر ملت‌ها همین بحث‌ها و جدل‌های غیرتخصصی و به قول شما کلنجارها است. البته قابل انکار نیست که معمولاً در میان بسیاری از ما ایرانیان اخلاق گفتگو ضعیف است و علاوه بر اینکه گاهی از دیدگاه‌های خود متعصبانه دفاع می‌کنیم، کمتر حرف‌های مخالف را تحمل می‌کنیم. از این رو در عرصه آداب و اخلاق گفتگو نیازمند آموزش و تربیت بیش‌تری

هستیم. اختلافات خانوادگی به سبب بحث‌های سیاسی و دینی همواره وجود داشته و چیز جدیدی است. همانطور که نمی‌توان همه انسان‌ها را ملزم کرد تا دقیقاً مطابق فقه بیان‌دیشند، نمی‌توان همه را به اندیشیدن مطابق دیگر افکار و نگرش‌ها ملزم کرد. انسان‌ها، بسته به سطح هوش و قدرت تحلیل، گرایش‌ها، نیازها، انتظارات، تجارب، محیط اجتماعی و غیره ممکن است از مسائل گوناگون برداشت‌ها و نظرات مختلفی داشته باشند. از بین بردن کامل یا حداکثری اختلافات نظری و عملی در بسیاری از مسائل ممکن نیست.

۶. در فقه اسلامی تشابه رفتاری مؤمنان تنها در دایره واجبات و محرمات مورد انتظار است و مردم در محدوده وسیع مباحات آزادی عمل دارند.

۷. اختلاف نظر درباره احکام فقهی یا حتی مخالفت نظری و عملی با برخی از احکام فقهی تا مادامی که به انکار ضروری دین منتهی نشود، فرد را از دایره ایمان بیرون نمی‌برد. گو اینکه اختلاف نظر و مخالفت، از لحاظ روانی، می‌تواند موجب آشفتگی و تعارض‌های فکری، عاطفی و رفتاری شود. با توجه به اینکه اکثر مردم ایران مسلمان و دست کم التزام حداقلی به احکام دینی دارند، مخالفت قطعی و حداکثری نظری و عملی با احکام قطعی دین، تنها در میان شمار کمی از مردم دیده می‌شود. عمده مخالفت‌های نظری و عملی با قوانین و روش‌هایی است که جنبه قانونی و عرفی دارد و مردم آن را حکم صریح خداوند به حساب نمی‌آورند.

۸. اگر از یک منظر انسان‌شناسانه به دین، حکومت دینی و رفتار انسان‌ها بنگریم، اساساً غرض از جعل احکام دینی ایجاد زمینه آزمایش و امتحان الهی و در نتیجه زمینه تربیت روحی و شخصیتی انسان است؛ تا انسان‌ها با انتخاب و اختیار خود در مسیر اطاعت و عصیان قرار گرفته و سرنوشت ابدی خودشان را رقم زنند. اطاعت از احکام الهی یا عصیان در برابر آن سود

و ضرری را متوجه خداوند و دین نمی‌کند. بنابر این رهبران دینی، هرچند به هدایت و خوشبختی مردم علاقه‌مند هستند، اما اگر کسانی بخواهند با اراده و انتخاب خود راه دیگری را برگزینند، نمی‌توانند مانع آنان شوند؛ مگر آنکه رفتار آنان به دیگر افراد یا کلیت منافع و مصالح جامعه آسیب رساند.

۹. تشکیل هر حکومتی مبتنی بر تعیین و اعمال محدودیت‌هایی برای عموم شهروندان است. به عبارت دیگر، افرادی که می‌خواهند در یک سیستم سیاسی زندگی کنند، خواسته یا ناخواسته باید چارچوب‌هایی را برای تنظیم رفتارهای اجتماعی خود قبول کنند و در این امر میان حکومت دینی و غیردینی تفاوتی نیست. در همه قوانین الزام و تحکم وجود دارد. مرزبندی بر پایه قانون، در هر جامعه‌ای شکل می‌گیرد و قوانین دینی نیز از آن مستثنا نیست. بنابر این نباید طوری القا کرد که تنها قوانین دینی است که موجب مرزبندی و ایجاد دو راهی در افراد می‌شود؛ آن چنانکه گویی جوامع سکولار عاری از هر نوع قانون‌مندی و نظم اجتماعی است. بر عکس، جوامع غربی، اگرچه در دولت‌ها در برخی از موضوعات فرهنگی آزادی عمل قابل توجهی به شهروندان می‌دهند، اما در مسائل مهم سیاسی، اقتصادی، انتظامی و امنیتی قوانین شدید و قاطعی را اعمال می‌کنند.

■ منابع جهت مطالعه:

• ناصر مکارم شیرازی، رابطه فقه و حکومت، سایت آیین رحمت:

<https://makarem.ir/maaref/fa/article/index/411190/>

• علی اکبر نوایی، توانمندی فقه در اداره نظام اسلامی، مجله اندیشه حوزه، شماره ۱۲، ۱۳۷۷

• محمد جواد ارسطو، فقه اجتماعی، مرکز پژوهشی مینا، انتشارات مکتب اندیشه.

• زهرا محمدی، نقش فقه در تربیت اجتماعی، نشریه

- پژوهش‌های فقهی زنان و خانواده، شماره ۶، ۱۴۰۰.
- حسن یوسف زاده، نظم اجتماعی در اسلام، مجله معرفت، شماره ۱۰۳، ۱۳۸۵.
- رک: پرتال جامع علوم اسلامی ← حوزه‌های تخصصی ← علوم اسلامی ← فقه و اصول ← فقه اجتماعی.
- شمس‌الله مریجی، عوامل توسعه فقه حکومتی در عصر انقلاب اسلامی، مجله فقه و سیاست، سال دوم، شماره اول، ۱۴۰۰.
- ابوالفضل شکوری، فقه سیاسی اسلام، قم: بوستان کتاب.

■ ایده‌هایی برای مقابله:

معرفی آثار پرشماری که در حوزه فلسفه سیاسی و فقه سیاسی اسلام نوشته شده است؛ بالابردن بینش سیاسی مردم، خصوصا جوانان، درباره مسائل سیاسی داخلی و خارجی؛ معرفی آثار تحقیقی تاریخی درباره دکترین و راهبردهای سیاسی امامان شیعه علیهم السلام؛ تهیه و انتشار مستند، سریال، فیلم سینمایی درباره دستاوردهای انقلاب اسلامی در ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و دینی در سطح داخلی و بین‌المللی؛ ارتقای سطح آگاهی و تحلیل علمی و عقلی مردم، خصوصا نسل جوان درباره زمینه‌ها و عوامل تاریخی، جامعه‌شناختی، سیاسی و فرهنگی مشکلات کشور، از طریق آثار علمی و هنری؛ حمایت از طرح‌های پژوهشی در موضوع دستاوردهای انقلاب و نظام اسلامی باهدف اطلاع‌رسانی، آسیب‌شناسی و کمک به پیشرفت کشور.

انقلاب اسلامی و دشمن‌سازی

شناسه شبهه

موضوع عام: انقلاب اسلامی
موضوع خاص: آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی
نام شبهه‌کننده: مجهول
منبع انتشار شبهه: گویانیوز
هدف‌های احتمالی: تضعیف مبانی انقلاب اسلامی، سفیدشویی رژیم فاسد پهلوی، ایجاد بدبینی نسبت به جمهوری اسلامی، تضعیف انگیزه‌های مردمی در حمایت از جمهوری اسلامی.
نمایه‌ها: انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی، زمان شاه، دشمن، دشمن‌سازی.

متن شبهه

یکی از پیامدهای انقلاب اسلامی و تشکیل حکومت دینی این شد که دشمنان زیادی پیدا کردیم. در زمان شاه بیش‌تر کشورهای جهان با ما رابطه خوبی داشتند و این قدر مشکلات امنیتی نداشتیم. یکی از خصلت حکومت دینی، دشمن‌سازی است؛ چون حکومت دینی نمی‌تواند با کشورها و حکومت‌های دیگر رابطه مسالمت‌آمیزی داشته باشد.

پیشنهاد‌ها

■ پاسخ‌اجمالی

۱. نه در دوران شاه، همه کشورها با کشور ما دوست بودند و نه در دوران جمهوری اسلامی، همه کشورها با ما دشمن شده‌اند. مگر آمریکا و چند کشور اروپایی همه کشورهای جهان هستند؟! اساسا در روابط بین المللی، به ندرت دوستی و دشمنی عاطفی وجود دارد. دوستی‌ها و دشمنی‌ها در روابط بین‌الملل بر اساس منافع کوتاه و درازمدت کشورها تعریف می‌شود.

۲. برخی از کشورها، به سبب ضعف سیاسی یا اقتصادی، زیر فشار کشورهای قدرتمند غربی به دشمنی با کشور ما مجبور می‌شوند. انزوای سیاسی جمهوری اسلامی بیش از هرچیز یک بلوف تبلیغاتی است که تنها در قاب رسانه‌ها وجود دارد. مگر می‌توان کشوری با تاریخ چندهزار ساله، مساحت بیش از یک میلیون و چهارصد هزار متر مربع، مرزهای جغرافیایی متعدد، منابع گاز، نفت و غیره، قدرت دفاعی و علمی برتر منطقه، موقعیت ژئوپلیتیک منحصر بفرد، ... را در جهان منزوی کرد؟! جمهوری اسلامی در عرصه بین‌المللی نه تنها منزوی نیست، بلکه در سطح منطقه و فرامنطقه‌ای به عنوان کشوری تأثیرگذار شناخته می‌شود. به اعتراف رسانه‌های آمریکایی، این آمریکا است که منزوی شده نه ایران. به عنوان نمونه «جیمز کلایپر»، مدیر سابق اطلاعات ملی آمریکا، در مصاحبه‌ای اظهار داشت: «در حال حاضر ما در نوعی انزوا هستیم و من فکر می‌کنم شاید بقیه کشورها دوست دارند حتی بدون آمریکا سر ساز و کاری برای حفظ برجام مذاکره کنند!»^۱

نیویورک‌تایمز با بیان اینکه رویکرد دولت ترامپ باعث دور شدن متحدان اروپایی از این کشور شده است، افزود: «آمریکا زمانی شانه به شانه نه تنها فرانسه، آلمان و انگلیس بلکه روسیه و چین ایستاد تا ایران را منزوی کند. اکنون این ایالات متحده است که منزوی شده است!»^۲

۳. دشمنی و دوستی کشورهای دیگر، اگرچه از لحاظ نگاه فائده‌گرایانه امر مهمی است، اما هرگز ملاک موفقیت یا عدم موفقیت و درستی یا نادرستی یک ایده و طرح نیست. ملاک و معیار درستی مسیر و موفقیت یک ملت، حقانیت و دفاع از حقیقت است. راهی که مردم ایران در چهل و پنج سال گذشته طی کرده‌اند، بر اساس

1. ilna.news/fa/tiny/news-765738

2. farsnews.ir/news/13990631000080

حق و برای رسیدن به حقیقت بوده و به همین سبب در برابر سختی‌ها و دشمنی‌ها استقامت ورزیده‌اند. باید به این پرسش توجه کنیم که اساساً مردم انقلابی ایران برای چه هدفی قیام کردند؟ مردم ایران یقیناً به دنبال دشمن تراشی نبودند، بلکه آن‌ها برای بازیابی هویت و عزت پایمال‌شده خودشان توسط آمریکا و انگلیس قیام کردند. حکومت پهلوی، دست‌نشانده انگلیس و آمریکا بود و به همین سبب در دروه گذشته غربی‌ها بر تمام مقدرات این کشور مسلط بودند. علاوه بر این رفتار انگلیسی‌ها و آمریکایی‌ها با ملت ایران بسیار تحقیرگرانه و ظالمانه بود. آنان برای کشور ما در هیچ امری، استقلالی قائل نبودند. ما قیام کردیم تا خودمان آقای خودمان باشیم.

۴. دشمنی آمریکا و برخی از کشورهای اروپایی با جمهوری اسلامی به سبب دو چیز بوده و هست: کوتاه‌شدن دست آنان از منافی که به سبب وابسته‌بودن کشور به آنان، به رایگان غارت می‌کردند؛ چنانکه مارتین ایندایک، معاون اسبق وزارت خارجه آمریکا در امور خاورمیانه، گستاخانه تصریح می‌کند که مجازات و تنبیه انقلاب اسلامی، درس عبرتی بر کشورهای خواهد بود که در مسیر استقلال و رهایی از سلطه آمریکا گام برمی‌دارند.^۳ نوام چامسکی، نظریه‌پرداز مشهور آمریکایی، نیز معتقد است دشمنی‌ها و کینه‌توزی‌های آمریکا نسبت به جمهوری اسلامی، به دلیل استقلال‌طلبی این کشور است. وی می‌گوید: «جمهوری اسلامی ایران از نظر آمریکا غیر قابل پذیرش است، چون از استقلال خود چشم‌پوشی نمی‌کند!»^۴ و دیگر به سبب ماهیت اسلامی و انقلابی جمهوری اسلامی است، که همواره می‌تواند الگویی برای دیگر ملت‌ها باشد. ریچارد مورفی، معاون اسبق وزیر خارجه وقت آمریکا، در گزارشی خطاب به نمایندگان

کنگره آمریکا می‌گوید: «پدیده انقلاب اسلامی ایران دیگر تنها یک مسأله استراتژیک متعارف نیست؛ مسأله امواجی است که این انقلاب پدید آورده و بنیادهای تمدن معاصر کاپیتالیستی و سوسیالیستی غرب را به لرزه انداخته است.»^۵ برژینسکی، نظریه‌پرداز مشهور آمریکایی، نیز می‌گوید: «تجدید حیات اسلام بنیادگرا در سراسر منطقه با سقوط شاه و تشنجات ناشی از ایران (امام) خمینی (ره) یک مخاطره مستمر برای منافع ما در منطقه‌ای است که حیات جهان غرب کاملاً به آن وابسته است...».

مقام معظم رهبری در همین رابطه تصریح کردند که: «دشمنی آمریکا و استکبار جهانی با ایران اسلامی به خاطر حرکت قدرتمندانه مردمی است. چون ایمان مردم، علاقه مردم به استقلال و اطمینان به نفس مردم به ضرر آنها است. آنها می‌خواهند کشور ما را همیشه وابسته نگه دارند. آنها می‌خواهند از لحاظ فرهنگی، اقتصادی و سیاسی کشورهای این منطقه را وابسته به خودشان نگه دارند. وقتی کشوری مستقل است و اطمینان به نفس دارد و با اعتماد به خود در راهی که او را به سمت اهداف والا می‌رساند، حرکت می‌کند، طبعاً این‌ها ناراضی می‌شوند. ناراضی‌های دشمنان جهانی ما به این خاطر است. آنها وقتی ناراضی می‌شوند که ملت ایران اختیار دین و فرهنگ و اقتصاد خود را یکسره به آنها بسپارد. ملت ایران امروز بیدار شده است و زیر بار چنین زورگویی‌ها و قلدری‌هایی نمی‌رود!»^۶

۵. این خصلت حکومت دینی نیست که دشمن‌ساز است، بلکه خصلت زیاده‌خواهی و بی‌توجهی به حقوق و احترام متقابل از سوی نظام‌های استکباری است که آنان را به دشمنی با حکومت دینی می‌کشاند.

۵. حسن واعظی، ایران و آمریکا، ص ۳۱۴، فارین پالیسی به نقل از خطر توطئه، ص ۹۵.

۶. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع مردم رفسنجان، ۸۴/۲/۱۸.

روابط گسترده جمهوری اسلامی با کشورهای مختلف جهان و عضویت در پیمان‌های منطقه‌ای و جهانی مانند شانگهای و بریکس بطلانی بر این ادعا است که حکومت دینی نمی‌تواند با کشورها و حکومت‌های دیگر روابط مسالمت‌آمیز داشته باشد. بله! حکومت دینی نمی‌تواند با کشورها و حکومت‌هایی که به دنبال سلطه‌طلبی بوده و برای حقوق سایر کشورها قائل احترام متقابل نیستند، رابطه یکطرفه داشته باشد.

■ منابع جهت مطالعه:

- منوچهر محمدی، تحلیلی بر انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات امیرکبیر
- منوچهر شریفی، دشمن‌شناسی در بیانیه گام دوم انقلاب، فصلنامه علمی مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی، سال دوازدهم، شماره ۴۶، ۱۴۰۱
- جواد خزعلی و علی درویشی، علل دشمنی استکبار با انقلاب اسلامی، تهران: آوای تاریخ
- علی مجتبی زاده، توطئه‌های آمریکا علیه ایران و علل دشمنی با انقلاب اسلامی، فصلنامه تخصصی پاسخ، شماره ۲۰، ۱۳۹۹.

■ ایده‌هایی برای مقابله:

معرفی آثار پرشماری که در حوزه فلسفه سیاسی و فقه سیاسی اسلام نوشته شده است؛ بالابردن بینش سیاسی مردم، خصوصا جوانان، درباره مسائل سیاسی داخلی و خارجی؛ معرفی آثار تحقیقی تاریخی درباره دکترین و راهبردهای سیاسی امامان شیعه علیهم‌السلام؛ تهیه و انتشار مستند، سریال، فیلم سینمایی درباره مبانی، دکترین‌ها و راهبردهای سیاسی انقلاب و نظام اسلامی در ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و دینی در سطح داخلی و بین‌المللی؛ ارتقای سطح آگاهی و تحلیل علمی و عقلی مردم، خصوصا نسل جوان درباره زمینه‌ها و عوامل تاریخی، جامعه‌شناختی، سیاسی و فرهنگی مشکلات کشور، از طریق آثار علمی و هنری؛ حمایت

از طرح‌های پژوهشی در موضوع دستاوردهای انقلاب و نظام اسلامی باهدف اطلاع‌رسانی، آسیب‌شناسی و کمک به پیشرفت کشور؛ ساخت و انتشار آثار علمی و هنری درباره تحولات جهانی و نقش مخرب سیاست‌ها و اقدامات کشورهای غربی به ویژه آمریکا در تسط و نابودی منافع ملی کشورها، به ویژه کشور ایران.

در انقلاب اسلامی، مردم به دنبال دموکراسی بودند نه حکومت دینی

شناسه شبهه

موضوع عام: انقلاب اسلامی

موضوع خاص: اهداف انقلاب اسلامی

نام شبهه‌کننده: محمدحسین یحیایی

منبع انتشار شبهه: سایت ایران گلوبال:

<http://www.iranglobal.info>

هدف‌های احتمالی: تحریف تاریخ انقلاب،

متمم‌ساختن نظام اسلامی به تغییر مسیر

انقلاب، ایجاد تردید در مشروعیت جمهوری

اسلامی، ایجاد بدبینی نسبت به جمهوری

اسلامی.

نمایه‌ها: انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی،

احزاب، دموکراسی، حکومت اسلامی.

متن شبهه

مردم ایران در سال ۵۷ بخاطر رهایی از استبداد و مشکلات حکومت پهلوی، با {امام} خمینی همراه شدند و قصدشان آزادی و استقلال و رهایی از استبداد و مفساد بود و بیش‌تر به دنبال يك حکومت دموکراتیک بودند. ولی از سال ۵۹ مشخص شد روند جمهوری اسلامی، روند حکومت اسلامی است؛ از این رو مردم به تدریج از نظام زاویه گرفته و با جمهوری اسلامی مخالفت کردند.

پیشنهادها

■ پاسخ اجمالی:

۱. این شبهه نوعی مصادره به مطلوب است. شبهه‌کننده بدون استناد به شواهد و دلائل معتبر ادعا کرده است که مردم انقلابی ایران خواهان

دموکراسی غربی بوده‌اند. در حالی که این ادعا خود اول کلام است. پس اول باید این پرسش را طرح کنیم که آیا مردم در انقلاب سال پنجاه و هفت، تنها بخاطر رهایی از استبداد و مشکلات، همراهی همه جانبه با رهبران خود داشته‌اند یا آنکه خواسته اکثریت مردم، اسلام و اجرای احکامی اسلامی بوده است؟ پرسش دیگر اینکه چرا انقلابی که با حضور فراگیر نیروها و جریان‌ها رخ داد، بعد از پیروزی، به تدریج با حذف برخی از گروه‌ها و جریان‌ها از صحنه سیاسی مواجه شد؟

در پاسخ به پرسش اول گفتنی است در اینکه مردم به دنبال آزادی و استقلال و رهایی از استبداد و مفساد بودند، شکی نیست، اما تحقق این اهداف را در حکومت اسلامی یافته از این جهت شعار محوری آن‌ها «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» بود.

سیاست ضد اسلامی و مقابله رژیم با اسلام و فرهنگ دینی که در عمق جان مردم ریشه داشت، دلیل اصلی انقلاب اسلامی بود و عوامل دیگر نقش زمینه‌ساز و تسریع‌کننده داشته است.

انقلاب اسلامی ایران بخاطر ماهیت اسلامی، زمینه‌ها و عوامل پیروزی را در دل خود پرورانده بود. اساسا سیاست‌های ضد اسلامی، ضد مذهبی و تلاش پیوسته برای سکولاریزه کردن جامعه از سوی رژیم پهلوی، به معنی نادیده گرفتن اعتقادات و ایمان مردم به اسلام و تعالیم الهی بود و همین امر عکس العمل توده‌های مسلمان ایران به رهبری روحانیت شیعه را در پی داشت.

برخی از شواهدی که دلالت می‌کند علت اصلی پیدایش انقلاب اسلامی، سیاست اسلام‌زدایی شاه بود، عبارت است از:

الف) رهبری انقلاب: تحلیل ماهیت هر انقلاب از تحلیل شخصیت و تفکر رهبری انقلاب جدا نیست. «بی‌شک از جان‌گذشتگی و مبارزه خستگی‌ناپذیر با ظلم و ظالم و دفاع سرسختانه از مظلوم و صداقت و صراحت و

شجاعت و سازش‌ناپذیری امام خمینی در انتخاب او از سوی مردم به مقام رهبری انقلاب نقش داشته است. اما مطلب اساسی چیز دیگری است و آن اینکه ندای امام خمینی (ره) از قلب فرهنگ و از اعماق تاریخ و از ژرفای روح این ملت برمی‌خواست.^۱

ب) شعارها و خواسته‌های مردم: در انقلاب اسلامی، این اسلام بود که در جذب و تحریک‌بخشیدن به نیروهای مؤمن نقش عمده و تعیین‌کننده داشت. در همه شعارهای قاطع و کوبنده قشرهای مردم، این آرمان‌ها متجلی بود و شعارها نشان‌دهنده شعور و آگاهی مردم به اسلامی‌بودن انقلاب بود. شعارهایی مانند «جمهوری اسلامی آری، حکومت خودکامان هرگز»، «دین خدا را حافظ و حامیم، خواهان جمهوری اسلامیم»، «رژیم شاهنشاهی سر منشأ فساد است، جمهوری اسلامی مرکز عدل و داد است...»^۲.

ج) وحدت و یکپارچگی مردم بر محور اسلام: «انقلاب اسلامی یعنی راهی که هدف آن اسلام و ارزش‌های اسلامی است و انقلاب و مبارزه صرفاً برای برقراری ارزش‌های اسلامی انجام می‌گیرد.»^۳ اسلام تنها عاملی بود که وحدت میان توده‌های ستمدیده را به وجود آورد. مردم در دوران انقلاب، از اسلام حرف می‌زدند، از رهبران مذهبی پیروی می‌کردند و خواهان حاکمیت اسلام و حکومت اسلامی بودند؛ در حالی که در همان دوران جریان‌های دیگری نیز وجود داشتند که شعارهای غیر مذهبی می‌دادند، ولی کسی از آن‌ها حمایت نکرد و دور آن‌ها جمع نشد.

۲. البته در کنار عامل اصلی انقلاب، یعنی اسلام خواهی، عوامل دیگری نیز در وقوع انقلاب اسلامی مؤثر بوده است. حکمرانی استبدادی، خشن و وحشیانه

۱. مرتضی مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی، انتشارات صدرا، چاپ چهارم، ۱۳۶۸، ص ۱۱۹.

۲. فرهنگ شعارهای انقلاب اسلامی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹، ص ۱۳۴، ۱۳۳.

۳. مرتضی مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی، انتشارات صدرا، چاپ چهارم، ۱۳۶۸، ص ۵۷.

رژیم پهلوی، سلب هرنوع آزادی، نفوذ استعمار نو، دورنگهداشتن دین از سیاست، بلکه بیرون کردن دین از میدان سیاست، کوشش برای بازگرداندن ایران به جاهلیت قبل از اسلام و احیاء شعارهای مجوسی و میراندن شعارهای اصیل اسلامی (به عنوان مثال تغییر تاریخ هجری به تاریخ مجوسی، تحریف میراث اسلامی و صادر کردن شناسنامه جعلی برای این فرهنگ به نام فرهنگ مردم ایرانی)، تبلیغ و اشاعه مارکسیسم دولتی، کشتارهای بی رحمانه و ارزش قائل نشدن برای خون مسلمانان، تبعیض و افزایش روزافزون شکاف طبقاتی، با وجود اصلاحات ظاهری و ادعائی، تسلط عناصر غیرمسلمان بر مقدرات مسلمانان در دولت و سایر دستگاه‌ها، نقض آشکار قوانین و مقررات اسلامی، چه به صورت مستقیم و چه به صورت ترویج و اشاعه فساد در همه زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی، مبارزه با ادبیات فارسی - اسلامی که حافظ و نگهبان روح اسلامی ایران است، بریدن پیوند از کشورهای اسلامی و پیوستن با کشورهای غیر اسلامی و احیاناً ضد اسلامی، مانند اسرائیل و ده‌ها زمینه و عامل دیگر که در طول نیم قرن و جدان مذهبی جامعه را جریحه دار ساخت و یکباره جامعه را علیه رژیم شاه منفجر کرد.^۴

۳. انقلاب اسلامی موج نوینی از اسلام‌گرایی بود که ایرانیان خسته از استبداد را گرد هویت اسلامی، هویت نوینی بخشید. هویتی که زیر پرچم یک حکومت دینی، عزت و کرامت را به یک ملت تحقیر شده باز می‌گرداند و این واقعیت، در شعارهای مردم انقلابی و نیز پذیرش عاشقانه و فداکارانه رهبری امام خمینی تجلی یافت. گستردگی و توفندگی قیام مردم سبب شد، تا تبلیغات جریان‌ها و گروه‌های مختلف در آن چندان مؤثر نباشد. از این رو برای آنکه از حرکت پرشتاب انقلاب اسلامی عقب نمانند، ناگزیر با آن همراه شدند، ولی همراهی آن‌ها تا جایی تداوم یافت که حرکت انقلاب، با اهداف

۴. مرتضی مطهری، نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، ص ۶۵ و ۶۶.

و منافع‌شان تضادی نداشت. حتی برخی از گروه‌های سیاسی در کشاکش انقلاب اسلامی به دنبال تغییر مسیر انقلاب در جهت دلخواه خود بودند. به هر حال همین تضادها موجب گردید تا این احزاب در ادامه، راه خود را جدا کرده و به مخالفت، بلکه دشمنی با انقلاب اسلامی برخیزند.

۴. برخوردهای افراطی و تند تبلیغاتی و فیزیکی برخی از گروه‌ها، که بعدها حتی به اعلان جنگ مسلحانه منجر گردید، سبب شد تا ماهیت ضد مردمی خود را بیش از پیش آشکار کنند. تاریخ انقلاب گواه است که جمهوری اسلامی تا آنجا که گروه‌های غیراسلامی و حتی مخالف با اسلام به توطئه و فتنه دست زده بودند، با آنان برخورد عملی نداشت. حضرت امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید: «بعضی احزابی که انحرافی هستند، ما آن‌ها را جزء مسلمین هم حساب نمی‌کنیم، مع ذلك چون بنابر قیام مسلحانه ندارند و فقط صحبت‌های سیاسی دارند، هم آزادند و هم نشریه دارند، به طور آزاد. پس بدانید که ما این طور نیست که با احزاب یا گروه‌های دیگر دشمنی داشته باشیم»^۵.

خواسته مردم مسلمان ایران در برپایی نظام اسلامی، در پذیرش قاطع رهبری امام خمینی، رأی مثبت به قانون اساسی و تعیین مدل حکومت (جمهوری اسلامی) با نود و هشت درصد کل آراء، ظهور یافت و راه را بر زیاده‌طلبی دیگر مدعیان بست. جمهوری اسلامی همواره راه را برای خدمت به مردم باز گذاشته و اگر جریان‌ها و گروه‌های سیاسی غیراسلامی به توطئه دست نمی‌زدند، همواره این امکان برای آنان فراهم بود که به کشور و ملت ایران خدمت کنند. ولی متأسفانه عملکرد نادرست و گاهی خیانت‌بار آنان، سرنوشت دیگری را برای آنان رقم زد.

۵. اگر مردم از سال ۵۹ از نظام فاصله گرفتند، حمایت و حضور مردمی در طول حیات انقلاب اسلامی در

صحنه‌های مختلف را چه کسی رقم زده است؟ اگر حضور و پشتوانه مردمی انقلاب اسلامی نبود، امکان مقاومت و ایستادگی در برابر توطئه‌ها و دشمنی‌های گسترده دشمنان وجود نداشت. زاویه پیدا کردن و بریدن عده‌ای از انقلاب را نباید تعمیم داده و مردمی که انقلاب اسلامی با همراهی و ایستادگی آنها تداوم یافته را مخالف نظام قلمداد کرد.

همانگونه که مقام معظم رهبری فرمودند: «نباید خیال کرد که اگر چهار نفر آدمی که سابقه انقلابی دارند، از کاروان انقلاب کنار رفتند، پس انقلاب غریب ماند. نه آقا، همه انقلاب‌ها، همه فکرها، همه جریان‌های گوناگون اجتماعی، هم ریزش دارند هم رویش دارند؛ ریزش در کنار رویش»^۶.

«انقلاب زنده است، این اصول زنده است؛ هیچ مانعی ندارد که برگ و بار عوض بشود. خزان‌هایی در راه است. این یک حرکت طبیعی است برای موجودات زنده عالم. همیشه ریزش و رویش وجود دارد؛ مهم این است که در کنار ریزش، رویش هم وجود داشته باشد و امروز این جور است. بحمدالله انقلاب علی‌رغم همه تبلیغات، همه تخریب‌ها، همه ضربه‌ها، همه تهاجم‌های از اطراف و اکناف - تهاجم سیاسی، فشار اقتصادی، تهاجم فرهنگی - پیشرفت کرده است؛ این انقلاب، زنده، بانشاط و مشغول پیشرفت است؛ منتها خیلی از افراد ظاهربین نمی‌فهمند و حقیقت را درک نمی‌کنند واقعیت قضیه این است که این ملت با حرکت خود، با حضور خود، با نشاط خود، بر روی همه توطئه‌ها خط بطلان کشید. بعد از این هم همین جور خواهد بود؛ منتها شرطش ادامه تقوا است، که تقوا موجب رحمت الهی است»^۷.

۶. در اغتشاشات سال گذشته شاهد بودیم که با وجود جنگ ترکیبی گسترده دشمنان و فراخوان‌های

۶. خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۸/۹/۲۶.

۷. بیانات در دیدار مسئولان دستگاه قضایی؛ ۱۳۸۴/۴/۷.

متعدد رسانه‌های معاند، مردم با آن‌ها همراهی نکرده و در مقابل در محکومیت اغتشاشات و دفاع از نظام بارها به صحنه آمدند و دشمنان و بدخواهان را مانند گذشته ناکام گذاشتند!

■ منابع جهت مطالعه:

- مرتضی مطهری، نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، قم: انتشارات صدرا
- مرکز اسناد انقلاب اسلامی، فرهنگ شعارهای انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- مرتضی مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی، قم: انتشارات صدرا
- کمال اکبری، نقش احزاب در سیاست پس از انقلاب اسلامی، نشریه علوم سیاسی، سال دوازدهم، شماره ۳، ۱۳۸۸
- سید مرتضی تقوی، واکاوی نقش گروه‌ها و احزاب در انقلاب اسلامی ایران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی
- رشید جعفرپور، مروری بر سه دهه رقابت و کشمکش احزاب در جمهوری اسلامی ایران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، خرداد ۱۴۰۰.

■ ایده‌هایی برای مقابله:

معرفی آثار پرشماری که در حوزه فلسفه سیاسی و فقه سیاسی اسلام نوشته شده است؛ بالابردن بینش سیاسی مردم، خصوصا جوانان، درباره مسائل سیاسی داخلی و خارجی؛ معرفی آثار تحقیقی تاریخی درباره دکترین و راهبردهای سیاسی امامان شیعه علیهم السلام؛ تهیه و انتشار مستند، سریال، فیلم سینمایی درباره مبانی، دکترین‌ها و راهبردهای سیاسی انقلاب و نظام اسلامی در ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و دینی در سطح داخلی و بین‌المللی؛ ارتقای سطح آگاهی و تحلیل علمی و عقلی مردم، خصوصا نسل جوان درباره زمینه‌ها و

عوامل تاریخی، جامعه‌شناختی، سیاسی و فرهنگی انقلاب اسلامی، از طریق آثار علمی و هنری؛ حمایت از طرح‌های پژوهشی در موضوع دستاوردهای انقلاب و نظام اسلامی باهدف اطلاع‌رسانی، آسیب‌شناسی و کمک به پیشرفت کشور؛ ساخت و انتشار آثار علمی و هنری درباره تحولات جهانی و نقش مخرب سیاست‌ها و اقدامات کشورهای غربی به ویژه امریکا در تسط و نابودی منافع ملی کشورها، به ویژه کشور ایران.

درس‌های تلخ انقلاب

موضوع عام: انقلاب اسلامی

موضوع خاص: آثار انقلاب اسلامی

نام شبهه‌کننده: علی اصغر رمضانپور

منبع انتشار شبهه: سایت ملیون ایران:

<http://www.melliun.org>

هدف‌های احتمالی: تضعیف پشتوانه مردمی

جمهوری اسلامی، تحریف تاریخ انقلاب اسلامی،

سفیدشویی رژیم فاسد پهلوی، ایجاد بدبینی

نسبت به انقلاب و جمهوری اسلامی.

نمایه‌ها: انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی،

پیامدهای انقلاب.

شناسه شبهه

متن شبهه

- پیامدهای این انقلاب پس از چهل و سه سال:
۱. در زمینه سیاسی استبداد دینی و سرکوب خشن مخالفان و انزوای نسبی بین‌المللی را در برداشته است؛
 ۲. در زمینه اقتصادی، علاوه بر تحریم‌های کمرشکن و بحران اقتصادی با گسترش بیکاری، گرانی، فقر و شکاف اقتصادی روبرو هستیم؛
 ۳. در زمینه اجتماعی نیز با گسترش تبعیض‌ها و به ویژه سقوط موقعیت زنان روبروئیم؛
 ۴. در زمینه دینی با فروپاشی هنجارها، ارزش‌های اخلاقی و معنوی روبرو هستیم.

پیشنهادها

■ پاسخ اجمالی:

۱. اولین مغالطه شبهه این است که ادعا می‌کند، پیامدهای ادعایی نام‌برده، پیامدهای انقلاب اسلامی است! این ادعا یا به علت جهل و یا از سر غرض‌ورزی

است. اگر کسی دو کلام درباره تاریخ انقلاب اسلامی و زمینه‌های آغاز و سیر تحول و تطور آن مطالعه کرده باشد، می‌داند که چنین ادعایی چه اندازه احمقانه است. معنای این ادعا این است که مردم ایران در دوره رژیم فاسد پهلوی شرایط خیلی خوبی از نظر سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی داشتند و یکباره از فرط خوشی و خوشحالی به انقلاب دست زدند و حکومت پهلوی را سرنگون کردند! وضعیت اسف بار فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی رژیم فاسد پهلوی بسیار روشن است. این وضعیت چنان اسف بار بود که همه جریان‌ها و گروه‌های سیاسی را به انقلاب و ساقط کردن رژیم مصمم ساخت. کافی است انبوهی از کتاب‌های خاطرات صاحب منصبان رژیم پهلوی مانند خاطرات حسین فردوست، اسدالله علم، اشرف پهلوی، فرح دیبا، زاهدی و دیگران را بخوانید تا عمق و گستره فساد و تباهی دستگاه پهلوی و مشکلات و نابسامانی‌های کشور و ملت ایران را احساس کنید.

۲. انقلاب اسلامی، انقلابی جوشیده از اعماق اعتقادات و عواطف پاک ملت ایران بود و برای از بین بردن ریشه‌های فساد، وابستگی، تحقیر و ناکارآمدی رژیم پهلوی و برپایی حکومتی مردمی بر اساس اسلام صورت گرفت. کارنامه انقلاب اسلامی با کارنامه جمهوری اسلامی متفاوت است. کارنامه انقلاب اسلامی، روشن، پاک و سرشار از فداکاری‌ها، وفاداری‌ها، اخلاص‌ها و موفقیت‌ها است. جمهوری اسلامی یکی از آثار و نتایج انقلاب اسلامی است. جمهوری اسلامی نظام سیاسی برآمده از انقلاب اسلامی است. کارنامه جمهوری اسلامی مجموعه‌ای از کامیابی‌ها و ناکامی‌ها است. جمهوری اسلامی خدمات فراوانی در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به کشور کرده است. برشمردن مشکلات و نابسامانی‌ها، آن هم به صورتی که کشور را در شرایط بحرانی نشان می‌دهد و حتی اشاره نکردن به موفقیت‌ها و پیشرفت‌ها، سیاه‌نمایی

است نه تحلیل علمی!

مشکلات و نابسامانی‌های کشور زمینه‌ها، علل و عوامل متعدد و متنوعی دارد. در یک تحلیل علمی اولا باید نقاط مثبت و منفی هر دو دیده شود. ثانياً به همه زمینه‌ها و عوامل واقعی، نه خیالی، مشکلات اشاره شود. ثالثاً راهکارهای علمی و ممکن برای برون رفت از مشکلات ارائه شود. امثال این شبهات تنها برد تبلیغاتی و رسانه‌ای دارد و افراد سطحی و کم‌اطلاع را تحت تأثیر بیش‌تر قرار می‌دهد؛ وگرنه افراد آگاه و منصف می‌دانند که بخشی از مشکلات کشور جنبه تاریخی، بخشی جنبه بیرونی و بخشی علت درونی دارد. قابل انکار نیست که بخش قابل توجهی از مشکلات کشور از کم‌تجربگی، ناکارآمدی مدیریتی، خیانت، فساد و مهم‌تر از همه فقدان نظریه‌پردازی علمی بومی و متناسب با مختصات کشور ناشی است. انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی زمینه و عامل هیچکدام از مشکلات نیست. آنچه در این رابطه عاملیت دارد، شرایط، زمینه‌ها و عوامل داخلی و خارجی است. به عبارت دیگر زمینه‌های تاریخی و فرهنگی، تصمیم‌ها و عملکردهای افراد است که مشکلاتی را پدید آورده است. رفع مشکلات و بهبود شرایط زندگی مستلزم رفع زمینه‌های فرهنگی (فرهنگ‌های غلطی مانند مصرف‌گرایی، تنبلی، کار آسان و درآمد زیاد، فخرفروشی و کسب منزلت از راه شغل، ...)، تحول در ساختارهای ناکارآمد، پیشگیری و رفع فساد و غیره است، نه از بین بردن جمهوری اسلامی! به عبارت دیگر ریشه مشکلات کشور در حاکمیت سیاسی نیست، بلکه در نحو حکمرانی است. اگر حکمرانی از لحاظ نهادی، ساختاری و عملکردی متحول شود، بسیاری از کاستی‌ها و کمبودها به مرور برطرف شده و کارهای بر مدار و مسیر صحیح قرار می‌گیرد.

۳. دشمنان آشکار و منافق کشور و جمهوری اسلامی برای از بین بردن کشور و نظام اسلامی در گام اول

تصویر بسیار سیاه و وحشتناکی از کشور در اذهان مردم می‌سازند، در گام دوم جمهوری اسلامی را علت همه آن وضعیت‌ها معرفی می‌کنند، در گام سوم وضعیت‌های خیالی، رؤیایی و دل‌انگیزی از رفاه، شادی، خوشبختی و آزادی را برای مردم ترسیم می‌کنند که گویی مردم می‌توانند بدون زحمت، رنج و کوشش ملی شبانه‌روزی به آن برسند و کشورهای غربی هم به آسانی به آن وضعیت‌های رؤیایی رسیده‌اند و در گام چهارم راه تغییر وضعیت‌های سیاه و رسیدن به وضعیت خیالی و رؤیایی را تنها سرنگون کردن جمهوری اسلامی معرفی می‌کنند!

۴. چگونه می‌توان قطع وابستگی و تحقق استقلال و بازگرداندن عزت مردم و کشور را که در پرتو انقلاب اسلامی به دست آمد و استبداد رژیم شاه و سرکوب خشونت بار مخالفان و شکنجه‌های سازمان مخوف ساواک را ندید و نظام جمهوری اسلامی که نقش فراموش شده مردم را در مشارکت سیاسی به آن‌ها باز گرداند، متهم به استبداد و سرکوب مخالفان کرد. آیا نظامی که رهبری آن بیش‌ترین دفاع و پشتیبانی را از حق مردم داشته و خود را خدمتگزار آنان می‌داند، دارای استبداد دینی است؟ نظامی که مخالفان آن با آزادی دیدگاه‌ها و نظرات خود را مطرح کرده و تا هنگامی که پا را از حد انتقاد فراتر نگذاشته و به سطح معارضه و تقابل وارد نشوند، با آنان برخوردی نمی‌شود، در کمال رأفت و مماشات با معترضان برخورد کرده و حساب آنان را از آشوبگران جدا نموده و نیروهای مدافع امنیت آن صدمات را به جان می‌خرند، تا افراد بی‌گناه کم‌تری آسیب ببینند، را چگونه می‌توان به سرکوب مخالفان متهم کرد؟!

۵. مشکلات اقتصادی و معیشتی قابل انکار نیست، اما نمی‌توان بر خدمات گسترده عمرانی و رفاهی، آموزشی، بهداشتی، ایجاد زیر ساخت‌های گسترده و تحول صنایع و احداث پالایشگاه‌ها و دستاوردهای

خیره کننده در حوزه‌های مختلف علمی و فناوری چشم بست و تصویری سیاه از وضعیت کشور ارائه داد.

۶. کسی منکر وجود تبعیض و بی‌عدالتی در کشور نیست، اما گسترش تبعیض‌ها و سقوط موقعیت زنان ادعای نادرستی است. برای کاستن از تبعیض‌ها و بی‌عدالتی و رفع محرومیت‌ها تلاش‌های زیادی شده است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. همانگونه که مقام معظم رهبری فرمودند: «ما همیشه می‌گوییم، بارها گفتیم که ما نتوانستیم خواسته‌های اسلام را به‌طور کامل تحقق ببخشیم، این قطعی است؛ اما ما راه زیادی در این زمینه طی کردیم. ما نتوانستیم عدالت اجتماعی را به‌طور کامل در این کشور به وجود بیاوریم؛ اما خیلی از راه را جلو آمدیم. نباید این‌ها ندیده گرفته بشود. یک روزی همه ثروت این کشور صرف تعدادی خانواده‌های اشرافی [می‌شد] و احیاناً سرریز آن به چند شهر بزرگ می‌رسید؛ امروز اقصی نقاط کشور برخوردار از خیرات این کشورند... ما خیلی پیش رفتیم. راه زیادی را ملت ایران طی کردند. این‌ها را ندیده نگیرند... بله! البته راه طولانی‌ای در پیش داریم. ما به آرمان‌هایمان هنوز نرسیده‌ایم. آرمان‌های اسلامی خیلی بالاتر از این حرف‌ها است»^۱.

جمهوری اسلامی در مورد موقعیت زنان، کارنامه بسیاری موفق داشته و زمینه رشد و پیشرفت زنان در عرصه‌های مختلف علمی، پژوهشی، اجتماعی و فرهنگ و ورزشی زنان را فراهم کرده است.

۷. در زمینه دینی با وجود برخی ریزش‌ها، شاهد گسترش کمی و کیفی و سطح دینداری جامعه هستیم. حضور در مراسمات مذهبی، تشییع پیکر مراجع، علما و شهدا، راهپیمایی خیره کننده اربعین، جشن چند کیلومتری غدیر و... بیانگر عمق دینداری مردم با وجود همه عوامل آسیب‌زا، تهاجم فرهنگی، جنگ نرم و گسترش عوامل فساد و در دسترس بودن آن است.

■ منابع جهت مطالعه:

- مرتضی مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات صدرا
- حضرت آیت الله خامنه‌ای، بیانات در موضوع مشکلات کشور، سایت حضرت آیت الله خامنه‌ای
<https://farsi.khamenei.ir/>
- محمد علی مشفق، آسیب‌شناسی فساد اداری و اقتصادی در ایران، پژوهشنامه، شماره ۵۲، ۱۳۹۴
- سیف الله راد، ارزیابی راهبردی مدیریت توسعه اقتصادی کشور جمهوری اسلامی ایران (آسیب‌شناسی و پیشنهاد الگوی مناسب)، نشریه مدیریت اسلامی، شماره ۷۹، ۱۳۸۹
- سید عباس موسویان، آسیب‌شناسی و نقد وضعیت بانکداری ایران از منظر عدالت اقتصادی، فصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی، شماره ۲۳، ۱۳۹۸
- محمد حسین راجی، صعود چهل ساله، مشهد: انتشارات مؤسسه سعدها
- محمد حسین راجی، معجزه تولید، مشهد: انتشارات مؤسسه سعدها
- سعید عطار، بررسی و تحلیل عوامل موثر بر ناکارآمدی نظام سیاستگذاری در ایران، نشریه سیاستگذاری عمومی، شماره ۱، ۱۳۹۴
- سید مرتضی هزاوئی، اقتصاد مقاومتی؛ نماد مدیریت جهادی در اقتصاد سیاسی ایران، نشریه مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۳۷، ۱۳۹۳.

■ ایده‌هایی برای مقابله:

معرفی آثار پرشماری که در حوزه فلسفه سیاسی و فقه سیاسی اسلام نوشته شده است؛ بالابردن بینش سیاسی مردم، خصوصاً جوانان، درباره مسائل سیاسی داخلی و خارجی؛ معرفی آثار تحقیقی تاریخی درباره دکترین و راهبردهای سیاسی امامان شیعه علیهم السلام؛ تهیه و انتشار مستند، سریال، فیلم سینمایی درباره مبانی، دکترین‌ها و راهبردهای

سیاسی انقلاب و نظام اسلامی در ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و دینی در سطح داخلی و بین المللی؛ ارتقای سطح آگاهی و تحلیل علمی و عقلی مردم، خصوصا نسل جوان درباره زمینه‌ها و عوامل تاریخی، جامعه‌شناختی، سیاسی و فرهنگی انقلاب اسلامی، از طریق آثار علمی و هنری؛ حمایت از طرح‌های پژوهشی در موضوع دستاوردهای انقلاب و نظام اسلامی باهدف اطلاع‌رسانی، آسیب‌شناسی و کمک به پیشرفت کشور؛ ساخت و انتشار آثار علمی و هنری درباره تحولات جهانی و نقش مخرب سیاست‌ها و اقدامات کشورهای غربی به ویژه امریکا در تسط و نابودی منافع ملی کشورها، به ویژه کشور ایران.

مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبها (حوزه‌های علمی)

pasokh.org | wikipasokh.com

pasokh.tv | pasokhmag.ir

shobhepajouhi.ir